

نوبخت: موظف به حذف یارانه

۲۴ میلیون نفر هستیم

سرویس شهرستان ها؛ رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور گفت: سال آینده ۳۳ هزار میلیارد تومان به عنوان افزایش حقوق بین شاغلان و بازنشستگان توزیع می شود.

محمدعلی نوبخت در خرم آباد با بیان این که ۱۳ هزار میلیارد تومان به عنوان پاداش پایان خدمت به بازنشستگان در سال آینده پرداخت می شود، افزود: ۶ هزار میلیارد تومان برای همسان سازی حقوق بازنشستگان در سال آینده در نظر گرفته شده است.

رئیس سازمان بر نامه و بودجه همچنین گفت: بر اساس قانون دولت موظف به حذف یارانه ۲۴ میلیون نفر شده است و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان متولی این کار سعی خواهد کرد در حذف افراد یارانه بگیر دقت بیشتری شود. رئیس سازمان برنامه و بودجه در مراسم آغازعملیات ساخت ۲هزار مسکن ویژه محرومان در لرستان اعلام کرد : تلاش می کنیم تا هفته دولت سال آینده این ۲ هزار مسکن افتتاح شود.نوبخت در ادامه این سفر از برخی مناطق سیل زده لرستان از جمله شهرستان چگنی،جاده خرم آباد – پلدختر و برخی روستاهای این شهرستان دیدن کرد.وی در این بازدیدها در جریان روند بازسازی مناطق سیل زده و خواست های مردم قرار گرفت و ابراز امیدواری کرد مشکل سیل زدگان در کمترین زمان رفع شود. نوبخت تأکید کرد: دولت متعهد به انجام وعده های خود در مناطق سیل زده است و این تعهدات را به طور کامل پیگیری و عملیاتی می کند. به گفته وی دولت تاکنون سه هزار میلیارد تومان اعتبار بلاعوض و تسهیلات برای جبران خسارت سیل لرستان پرداخت کرده است.

افزایش سوانح رانندگی در اربعین امسال

سرویس حساودا؛ رئیس پلیس راه کشور با اشاره به افزایش حوادث رانندگی در اربعین امسال، گفت: خسکتی، خواب آلودگی، عامل اصلی تصادفات دراین ایام بوده است.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، سردار سید تمورحسینی رئیس پلیس بازدید از مرز خسروی با اشاره به افزایش حضور زائران برای شرکت در مراسم اربعین امسال افزود: متأسفانه سوانح رانندگی در ایسن ایام به ویژه در استانهای کرمانشاه،خوزستان و ایلام افزایش داشته است.وی خسکتی و خواب آلودگی را عامل اصلی تصادفات رانندگی در این ایام دانست و تأکید کرد: شتاب بی مورد و انحراف به چپ، که نتیجه آن برخورد رخ به رخ استت از دیگر عوامل مهم حوادث رانندگی در ایام اربعین امسال است.

حسینی با بیان این که زائران هنگام بازگشت از کربلا به دلیل خسکتی، نیاز بیشتری به استراحت دارند، افزود: مردم ترین توصیه‌ای که در زائران داریم این است که از رانندگی در حالت خواب آلودگی خودداری کنند.

وی با بیان ایسن که هنوز درباره اعمال محدودیت ترافیکی در روزهای منتهی به اربعین، نمی‌تسوان اظهار نظر کرد، گفت: باید ببینیم موج بازگشت چگونه خواهد بود.از وقت در این باره تصمیم خواهیم گرفت.همچنین سردار حسین ساجدی نیا معاون عملیات با بیان این که اکنون ۶۰دورصد زائران در حال بازگشت هستند، ادامه داد: از پربروز شمار زائرانی که وارد کشور شدند نسبت به زائرانی که از کشور خارج شدند بیشتر شد و می‌توان گفت موج بازگشت بزاد آغاز شده است. پرجمع‌ترین مرز، مه‌ران است که ۵۵دورصد از بازگشت زائران از این مرز انجام گرفته است.

بقیه از صفحه اول

صناع غلابی عایق‌رد در فیروزکوه با بیان این که مهم‌ترین موضوع برای ادامه مسیر قدرتمند اقتصاد و صنعت کشور حفظ روحیه‌مدیران است،ادامه داد:متأسفانه‌عده‌ای در کشور ما فقط به دنبال تخریب روحیه مردم و مدیران هستند و به ره‌بانه‌ای با خواندن آی یاس بلر نامیدی را در جامعه می‌باشند؛ کسانی که در کارنامه و سوابق فعالیتشان هیچ حرکتی برای پیشرفت کشور دیده نمی‌شود.

وی ادامه داد: این عده فقط به دنبال چوب گذاشتن لای چرخ دیگران هستند و با نق زدن مداوم در روحیه مدیران خدشه وارد می‌کنند. وظیفه من این است که در حد توانم از روحیه مدیران صیانت و حمایت کنم.

جهانگیری با بیان این که خواست رهبر معظم انقلاب و رسای قوای سه گانه هم حفظ روحیه مدیران است، تأکید کرد: باید کاری کنیم تا مدیران سالم در میدان عمل پای کار بایستند و دغدغه‌ای نداشته باشند. ممکن است گاهی به دلیل تخلف برخی افراد،اضافه‌سازی‌هایی علیه مدیران کشور انجام شود؛ که ما نباید اجازه دهیم روحیه مدیران خوب کشور متزلزل شود. البته فردی که تخلفی انجام داده است حتماً باید پاسخگو باشد.

وی با اشاره به بازدیدهای خود از طرح‌ها و واحدهای تولیدی در دماوند و فیروزکوه گفت: یکی از این طرح‌ها که مورد بازدید قرار گرفت مرکز تولید و انجماد اسیریم دام سبک بود که توسط یکی از استادان بام دانشگاه تهران راه اندازی شده که کار مهم و بزرگی است و می‌تواند از طریق اصلاح نژاد در دام سبک کشور، زمینه افزایش تولید را فراهم کند.

جهانگیری همچنین با اشاره به بازدیدهای خود از دو واحد تولیدی شیوا و عایق‌رد، افزود: حجم سرمایه‌گذاری بسیار مناسبی در این دو واحد تولیدی انجام شده است و این دو واحد تولیدی توجه مناسبی به کیفیت، قیمت و رقابت وجود دارد.وی با اشاره به گزارش‌های ارائه شده مبنی بر این که این دو واحد تولیدی در ماه‌های نخست فعالیت خود موفق ششده اند،محصولاتشان را به استرالیا، چین و کشورهای همسایه صادر کنند، تأکید کرد: این نشان می‌دهد که تغییر و تحول عمده‌ای در توانمندی صنعتی کشور بوجود آمده است.

معان اول رئیس جمهوری افزود: هر جا که کار دست بخش خصوصی بوده و مؤلفه تعیین‌کننده رقابت بوده است، اتفاقات مهمی رخ داده‌است چرا که مدیران واحدهای تولیدی بخش خصوصی به خوبی می‌دانند که باید محصولات تولیدی کنند که از کیفیت و قیمت مناسب برخوردار باشد تا بتواند در بازار رقابت کند.

جهانگیری با بیان اینکه تاکنون در بخش خصوصی هیچگونه فعالیتی نداشته‌ام و با هیچ یک از فعالان این بخش هم سر و سری ندارم، تأکید کرد: باورم این است که کشور برای احیا و توسعه هیچ راهی جز اتکا به بخش خصوصی ندارد و بخش خصوصی باید به معنای واقعی میدان دار اقتصاد کشور باشد.

وی با تأکید بر این که دولت باید از مشکلات بخش

لگام‌های گشاده

قدردانی ناجا از سیاه‌دزدی دستگیری «م»
سرویس خبر: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با صدور پیامی، موفقیت سیاه دزد دستگیری روح الله ز م، گرداننده کانال آندینوز را تبریک گفت.

در بخشی از این پیام آمده است: خداوند قادر، متعال و مقتدر را شاکریم که این عنصر وایسته و مزدور که با حمایت‌های ضداقلاب خارج نشین و عوامل داخلی آنها، به دنبال دروغ پرازی، ایران هراسی و فراهم کردن زمینه‌های خشونت بار و تروریستی و ایجاد ناآرامی در کشور بود، در دام سربازان گمنام امام زمان (عج) افتاد .

این حماسه بزرگ که لرزه بر اندام دشمنان قسم خورده نظام مقدس جمهوری اسلامی انداخته است، به عنوان برگ زرین دیگری در کارنامه

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی: ۰۲۴۹۷۹۵۰۱۴۰ و شماره ثبت ۴۶۹۶۵۶ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت کبوترپوی توسه سخت‌افزار (سهامی خاص) به موجب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت فولاد ذک به تاریخ ۰۹/۰۸/۱۳۹۸ ساعت ۹:۰۰ صبح در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی: بلوار میرداماد، جنب ثبت شرکت‌ها، خیابان نایان شش‌رنگ، پلاک ۸، طبقه اول دبستی ۱۹۱۸۳۴۹۳۸ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.</p> دستور جلسه: اصلاح ماده مربوط به تعداد اعضای هیات مدیره در اساسنامه |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی: ۰۲۴۹۷۹۵۰۱۴۰ و شماره ثبت ۴۶۹۶۵۶ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران را یانمایندهان قانونی ایشان دعوت به عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد ذک در مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ ساعت ۱۰:۰۰ صبح در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، جنب ثبت شرکت‌ها، خیابان ابریز، خیابان نایان شش‌رنگ، پلاک ۸، طبقه اول دبستی ۱۹۱۸۳۴۹۳۸ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.</p> دستور جلسه: انتخاب اعضای هیات مدیره |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی ایشان دعوت به عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد ذک در مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ ساعت ۱۰:۰۰ صبح در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، جنب ثبت شرکت‌ها، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت فولاد صنعت قانات (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

اخبار داخلی

جهانگیری: مدیران متخلف باید پاسخگو باشند

صنعت و تولید کشور بیکاهد، افزود:نباید به خاطر موضوعاتی مانند سرمایه در گردش صنعت ما با مشکل مواجه شود. جهانگیری همچنین با بیان این که در هماهنگی با بانک مرکزی تلاش شده است این مشکل رفع شود، تأکید کرد: اسامال علاوه بر اعتبارات که طبق روال عادی به واحدهای تولید داخلی پرداخت می‌شود قرار شده است ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان با نظر وزرا به واحدهای پیشران در صنعت اختصاص یابد.معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر این که تکمیل زنجیره تولید در رشته‌های مختلف صنعتی باید باشد؛ کسانی که در کارنامه و سوابق فعالیتشان هیچ حرکتی برای پیشرفت کشور دیده نمی‌شود.

وی ادامه داد: این عده فقط به دنبال چوب گذاشتن لای چرخ دیگران هستند و با نق زدن مداوم در روحیه مدیران خدشه وارد می‌کنند. وظیفه من این است که در حد توانم از روحیه مدیران صیانت و حمایت کنم.

جهانگیری با بیان این که خواست رهبر معظم انقلاب و رسای قوای سه گانه هم حفظ روحیه مدیران است، تأکید کرد: باید کاری کنیم تا مدیران سالم در میدان عمل پای کار بایستند و دغدغه‌ای نداشته باشند. ممکن است گاهی به دلیل تخلف برخی افراد،اضافه‌سازی‌هایی علیه مدیران کشور انجام شود؛ که ما نباید اجازه دهیم روحیه مدیران خوب کشور متزلزل شود. البته فردی که تخلفی انجام داده است حتماً باید پاسخگو باشد.

وی با اشاره به بازدیدهای خود از طرح‌ها و واحدهای تولیدی در دماوند و فیروزکوه گفت: یکی از این طرح‌ها که مورد بازدید قرار گرفت مرکز تولید و انجماد اسیریم دام سبک بود که توسط یکی از استادان بام دانشگاه تهران راه اندازی شده که کار مهم و بزرگی است و می‌تواند از طریق اصلاح نژاد در دام سبک کشور، زمینه افزایش تولید را فراهم کند.

جهانگیری همچنین با اشاره به بازدیدهای خود از دو واحد تولیدی شیوا و عایق‌رد، افزود: حجم سرمایه‌گذاری بسیار مناسبی در این دو واحد تولیدی انجام شده است و این دو واحد تولیدی توجه مناسبی به کیفیت، قیمت و رقابت وجود دارد.وی با اشاره به گزارش‌های ارائه شده مبنی بر این که این دو واحد تولیدی در ماه‌های نخست فعالیت خود موفق ششده اند،محصولاتشان را به استرالیا، چین و کشورهای همسایه صادر کنند، تأکید کرد: این نشان می‌دهد که تغییر و تحول عمده‌ای در توانمندی صنعتی کشور بوجود آمده است.

معان اول رئیس جمهوری افزود: هر جا که کار دست بخش خصوصی بوده و مؤلفه تعیین‌کننده رقابت بوده است، اتفاقات مهمی رخ داده‌است چرا که مدیران واحدهای تولیدی بخش خصوصی به خوبی می‌دانند که باید محصولات تولیدی کنند که از کیفیت و قیمت مناسب برخوردار باشد تا بتواند در بازار رقابت کند.

جهانگیری با بیان اینکه تاکنون در بخش خصوصی هیچگونه فعالیتی نداشته‌ام و با هیچ یک از فعالان این بخش هم سر و سری ندارم، تأکید کرد: باورم این است که کشور برای احیا و توسعه هیچ راهی جز اتکا به بخش خصوصی ندارد و بخش خصوصی باید به معنای واقعی میدان دار اقتصاد کشور باشد.

وی با تأکید بر این که دولت باید از مشکلات بخش

صنعت و تولید کشور بیکاهد، افزود:نباید به خاطر موضوعاتی مانند سرمایه در گردش صنعت ما با مشکل مواجه شود. جهانگیری همچنین با بیان این که در هماهنگی با بانک مرکزی تلاش شده است این مشکل رفع شود، تأکید کرد: اسامال علاوه بر اعتبارات که طبق روال عادی به واحدهای تولید داخلی پرداخت می‌شود قرار شده است ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان با نظر وزرا به واحدهای پیشران در صنعت اختصاص یابد.معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر این که تکمیل زنجیره تولید در رشته‌های مختلف صنعتی باید باشد؛ کسانی که در کارنامه و سوابق فعالیتشان هیچ حرکتی برای پیشرفت کشور دیده نمی‌شود.

وی ادامه داد: این عده فقط به دنبال چوب گذاشتن لای چرخ دیگران هستند و با نق زدن مداوم در روحیه مدیران خدشه وارد می‌کنند. وظیفه من این است که در حد توانم از روحیه مدیران صیانت و حمایت کنم.

جهانگیری با بیان این که خواست رهبر معظم انقلاب و رسای قوای سه گانه هم حفظ روحیه مدیران است، تأکید کرد: باید کاری کنیم تا مدیران سالم در میدان عمل پای کار بایستند و دغدغه‌ای نداشته باشند. ممکن است گاهی به دلیل تخلف برخی افراد،اضافه‌سازی‌هایی علیه مدیران کشور انجام شود؛ که ما نباید اجازه دهیم روحیه مدیران خوب کشور متزلزل شود. البته فردی که تخلفی انجام داده است حتماً باید پاسخگو باشد.

وی با اشاره به بازدیدهای خود از طرح‌ها و واحدهای تولیدی در دماوند و فیروزکوه گفت: یکی از این طرح‌ها که مورد بازدید قرار گرفت مرکز تولید و انجماد اسیریم دام سبک بود که توسط یکی از استادان بام دانشگاه تهران راه اندازی شده که کار مهم و بزرگی است و می‌تواند از طریق اصلاح نژاد در دام سبک کشور، زمینه افزایش تولید را فراهم کند.

| |
|--|
| |
| آگهی رسمی دعوت به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده هیات امنای انجمن خیریه شمیم یاس نبوی (نوبت اول) <p>به استحضار می‌رساند، نظر به تصریح برخی از اعضای هیات امنای و هیات مدیره انجمن خیریه شمیم یاس نبوی به شماره ثبت ۳۷۵۱۷ و شناسه ملی ۰۶۴۵۰۰۵۰۱۴۰ با استناد به بند ۱ ماده ۱۶ اساسنامه و مصوبات ماده ۱۰ و اختیارات قانونی، بدینوسیله از تمامی اعضای هیات امنای انجمن خیریه شمیم یاس نبوی دعوت می‌نماید در مجمع عمومی فوق‌العاده هیات امنای که رأس ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۲۱ در محل دفتر مرکزی انجمن واقع در نشانی: کوئ یصر، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۷ پلاک ۱ برگزار می‌شود شرکت فرمایند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت کشت و صنعت و پرورش ماهی بیمان لوشان (سهامی خاص) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۸۴۶۰۰۱۰۲۷۰۰ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت کشت و صنعت و پرورش ماهی بیمان لوشان (سهامی خاص) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۸۴۶۰۰۱۰۲۷۰۰ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|--|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| هیات مدیره |

| |
|---|
| |
| آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پترو کیمیاای ابن سینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی: ۰۰۹۳۳۶۰۱۰۱ <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامایندهان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۰۸/۱۳۹۷ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از ظفر، نبش کوچه ناصری، پلاک ۵۵۱، برج کیان، طبقه هشتم، واحد ۶ در بزرگاز خواهد شد حضور بهم رسانند.</p> دستور جلسه: |
| < |



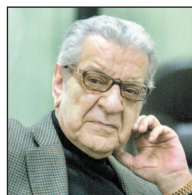
حکمت و خرد
در شعر فردوسی

۷



شبلی نعمانی
و کلام اسلامی

۶



دیدار با دکتر
عزت الله فولادوند

۴-۵



ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۰۵



اندیشه آزاد، آزادی اندیشه
هشتادمین سال درگذشت فرخی یزدی



خزان سروده های صائب تبریزی

خاک را دامان پر زر می کند فصل خزان
بادها را کیمیاگر می کند فصل خزان
شاخساران را به رنگ عود برمی آورد
برگها را صندل تر می کند فصل خزان
طوطیان سبزیپوش عالم ایجاد را
حله طلوس در بر می کند فصل خزان
از رخ زرین، بساط خاک را در یک نفس
آسمان پر ز اختر می کند فصل خزان
می پرد چون نامه اعمال، برگ از شاخسار
باغ را صحرای محشر می کند فصل خزان
رتبه ریزش بود بالاتر از اندوختن
از بهاران جلوه خوشتر می کند فصل خزان
برگ را چون میوه های پخته می ریزد به خاک
پای خواب آلود را پر می کند فصل خزان
بوسه بر دستش، که از نقش و نگار دلفریب
برگها را دست دلبر می کند فصل خزان
گر چه از دست زر افشانش زمین کان طلاست
خرقه صد پاره در بر می کند فصل خزان
از رخ چون زعفران، چین جبین خاک را
خنده رو چون سکه زر می کند فصل خزان
در کهنسالی عیار فکرها روشنترست
آنها را پاک گوهر می کند فصل خزان
شوق آتش را هوای سرد، دامان صباست
رغبت می را فروزتر می کند فصل خزان
می کند از پیکر بستان لباس عاریت
برگ پوشان را قلندر می کند فصل خزان
بر امید خط پاکی از جهان رنگ و بو
هر چه دارد خرج دفتر می کند فصل خزان
می زند بتخانه گلزار را بر یکدگر
کار ابراهیم می کند فصل خزان
برگها را می کند در کف زدن بی اختیار
چون سماع بیخودی سر می کند فصل خزان
گر چنین از آه سرد آتش زند در بوستان
عندلیبان را سمندر می کند فصل خزان
از برات عیش، صائب دامن آفاق را
با پریشانی توانگر می کند فصل خزان

رنگین تر از حناست بهار و خزان ما
بر دست خویش بوسه دهد باغبان ما
چون صبح در محبت خورشیدصادقیم
این تب برون نمی رود از استخوان ما
دست از کمند جاذبه کوتاه نمی کنیم
تا شیر مست ماه نگردد کتان ما
چون بید اگر چه تیغ زبانیم سر به سر
بندی شده است بی ثمری بر زبان ما
ما خصم را به زور تواضع کنیم دوست
بیرون برد ز تیر کجی را کمان ما
ما چشم خویش حلقه هر در نمی کنیم
خاک مراد ماست همان آستان ما
الماس را به نیم نظر می کند عقیق
داغی که شد سهیل دل خونچکان ما
پرواز می کند چو خدنگ از کمان سخت
از سنگ خاره، خرده راز نهان ما
چون بوی پیرهن به نظر می خرد خلق
گردی که خیزد از طرف کاروان ما
مانده است همچو دامن قارون به زیر خاک
دامان دل ز لنگر خواب گران ما
از بال و پر غبار تمنا فشانده ایم
بر شاخ گل گران نبود آشیان ما
قانع به یک سراسر خشک است ازین جهان
چون موجه سراب دل خوش عنان ما
صائب بلند مرتبه چون آسمان شود
بر هر زمین که سایه کند باغبان ما

هشتادمین سال درگذشت فرخی یزدی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی

● سید مسعود رضوی

صدای فرخی، همواره همچون طنینی همیشگی در تاریخ پژواک خواهد داشت. درباره زندگی او به اختصار می توان چنین گفت: بعد از طی تحصیلات متداول، صاحب فضل و کتابخوان بارآمد. از آنجا که محمد فرخی استعداد نظم در سخن یافت، در دوران مدرسه به سرودن شعر مشهور شد. پانزده ساله بود که اشعار انتقادی و تندی سرود و به همین دلیل از مدرسه اخراج شد. این سال ۱۲۸۲ بود و فرخی جوان ناگزیر کارگری پیشه کرد و با فقیرترین اقشار مردم دمخور و همگام شد. در جنبش مشروطیت، جانب آزادی خواهان را یافت و در نوروز سال ۱۲۸۹ در شعری خطاب به حاکم یزد، او را زیر ضرب انتقاد گرفت، این امر چنان بر حاکم گران آمد که محمد فرخی را به زندان بردند و به دستور حکمران جائر، لبانش را با نخ و سوزن دوختند اما فرخی از زندان گریخت. به تهران آمد و در صف مبارزان به جنگ با استبداد محمدعلی شاه قاجار پرداخت. در سال ۱۳۰۰ روزنامه معروف طوفان را منتشر کرد و نقدهای گزنده او توجه مردم و افکار عمومی را جلب کرد. به ویژه رباعی ها یا چهار پاره های زیبا و آزادی خواهانه او همه جا ورد زبان مردم و آزادی طلبان بود. به این ترتیب فرخی به عنوان یک شاعر ملی، روشنفکر، عدالت طلب و آزادی خواه شهرت پیدا کرد. پس از پیروزی مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، وی از طرف مردم یزد به وکالت برگزیده شد. اما مبارزاتش با استبداد دولت کودتا و سپس اختناق عصر رضا شاه، دوباره او را فراری داد و این بار هیچ کجای میهن برای او امن نبود. به ناچار، از آنجا که با سوسیال دموکراتها حشرونشری داشت، به مسکو گریخت و از آنجا هم به آلمان فرار کرد. شرح این هجران و گریز، بسیار دردناک است زیرا تاریخ ایران گویی یکسره فرزندان خردمند و دانشمند و هنرمند را آواره و در سرزمین های بیگانه به بند و تبعید محکوم می نماید.

فرخی، ناتوان از تحمل غربت، به میهن بازگشت، اما دستگیر و زندانی شد و سرانجام در ۲۵ مهر ۱۳۱۸، درست هشتاد سال قبل در سن ۵۱ سالگی به دست شکنجه گران و جانپان دولت خودکامه پهلوی وقت در زندان قصر به قتل رسید. استاد شفیع کدکنی که ذکر خیرشان رفت در یادداشتی عبرت آموز درباره فرخی، این نکته دردناک و اندوهبار یادآوری کرده اند که طی تمام این سالها هیچ کس سراغی از پیکر بی جان و محل دفن، مقبره این شاعر بزرگ عصر مشروطه که جان و عمر بر سر آزادی نهاد و برای رنجبران و بینوایان مبارزه های بی امان داشت، نگرفت و نپرسید که گورش کجاست؟ بی شک در هر کجای دیگر از این جهان پهناور، شاعری بدین منزلت ظهور می کرد، بیش ازین قدر می دید و برصرد می نشست. واپسین نکته این که در استانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، باید اندیشید که صدای نمایندگانی چون فرخی یزدی و سیدحسین مدرّس چرا در بهارستان خاموش شد و چه کسانی مجال سخن ازین بزرگان را سلب کردند.

با ایبائی از غزل معروف فرخی یزدی یاد او را گرامی می داریم:

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

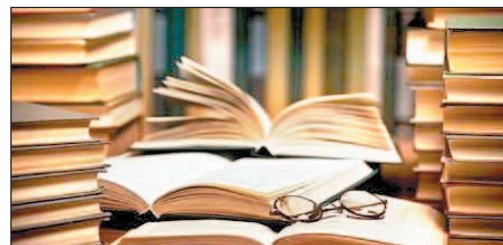
دست خود زجان شستم از برای آزادی

تا مگر به دست آرم دامن وصالش را

می دوم به پای سر در قفای آزادی

با عوامل تکفیر صنف ارتجاعی باز

حمله می کند دایم بر بنای آزادی ...



به نام خداوند جان و خرد
روز بیستم همراه در تقویم به مناسبت روز بزرگداشت حافظ نامگذاری شده است. خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، در حدود سال ۷۲۶ ه.ق در شیراز به دنیا آمد. او پس از آموختن دانش های متداول عصر خود، به سرایش اشعار، به ویژه در قالب غزل پرداخت و به یکی از نوابغ هنر و ادبیات جهان بدل شد. از حیث شاعری و مقام او در این رشته، شاید سرآمد تمام شاعران جهان باشد. درک او از کلمات و توجه به فرم و معانی، نوعی زیبایی و ملاحظه به وجود آورد که اعجاب هر خواننده ای را در هر سطحی برمی انگیزد. موسیقی حروف و کلمات، در کنار صنعت ایهام، که توازی معانی را متناسب با حال و مقام و سطح فکر و مرتبه ذوق افراد می سجد و همان که خواننده می طلبد را در اختیارش می گذارد تا به تجلی هنر پالایش شود و زندگی را از آنچه هست زیباتر و درخشانتر دریابد. حافظ را همه ستوده اند و خرده گیران اندکی به او و معانی سخنش ایراد گرفته اند، اما بزرگان ایران و جهان، هیچ یک نتوانسته اند شاعری برتر از او را معرفی کنند. گوته بزرگترین سخن سرای آلمان و پیشوای نهضت ادبی نوین پس از روشنگری در اروپا، خود را شاگرد حافظ می دانست و در دیوان شرقی - غربی که سروده است به این امر افتخار می کند. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به سنت مرضیه جلسه ای برگزار می کند که عنوان آن «دولت عشق، بررسی آراء و اندیشه های لسان الغیب حافظ شیرازی» است.

اما فراتر از هر چیز، برخی منابع، روز تولد نابغه و حکیم یگانه ایران استاد ابوالقاسم فردوسی را در روستای باژ از ناحیه طابریان شهر توس، به سال ۳۱۳ ه.ش. (۳۲۹ ه.ق) در همین روز بیستم همراه آورده اند. مفاخر بلند و گرامی باد.

اما روز ۲۱ مهرماه، چهلمین سالروز درگذشت زنده یاد استاد دکتر غلامحسین مصاحب است. دکتر مصاحب (زاده ۱۲۸۹ و درگذشته ۲۱ مهر ۱۳۵۸ در تهران)، دانشمند ریاضی دان، منطق دان، فیلسوف و مؤلف و مدیر مهم ترین دانشنامه یا دایره المعارف معاصر به زبان پارسی است. او را بنیانگذار دانش ریاضی جدید و صاحب اسلوب و سبک دانشگاهی در تدریس، مقاله نویسی و مدخل نگاری دایره المعارف یا دانشنامه دانسته اند. استاد دکتر شفیع کدکنی که نزد مصاحب برای تألیف دانشنامه همکاری کرده، او را سرآمد دانشوران عصر ما می داند.

اما همین روز، سالروز درگذشت مشهورترین نقاش معاصر ایران، حسین بهزاد نیز هست. استاد بهزاد در سال ۱۲۷۳ش در تهران متولد و در سال ۱۳۴۷ وفات یافت. او سبک و شیوه ممتازی در نگارگری و مینیاتور و حتی تذهیب و نقش و نگارهای ایرانی داشت که هوش از سر بیننده می رباید. مجموعه تابلوهای بهزاد در زمره میراث فرهنگی و مفاخر هنری ایران در موزه ها و نگارخانه های تاریخی موجود است.

اما آنچه سبب شد امروز بیشتر به تقویم تاریخ بپردازم، هشتادمین سالگرد شهادت و قتل ناجوانمردانه شاعر و روزنامه نگار نامدار عصر مشروطه و دشمن خستگی ناپذیر استبداد و ستم، میرزا محمد فرخی یزدی در سال ۱۳۱۸ش بود. او متولد ۱۲۶۷ شهر یزد و انسانی رنج دیده اما با فرهنگ و والا منش بود. مردی که عاشق آزادی و دشمن ستم و بردگی و استبداد بود. او فرودستان و رنجبران را می ستود و در شعر خود، صدای رنجبرهای ستم و تیره روزی بینوایان و ظلم دیدگان را به صدا درمی آورد.



در صفحات ایوان شماره قبل به زندگی، آثار و پژوهش های محقق کشاورزی ایران استاد محمدحسن ابریشمی پرداخته شد و دامنه وسیع تلاش های فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد ایشان بیان گردید. بخشی از مقاله نویسنده محترم آقای غفوری بازمانده بود که با توجه به ارزش و اعتبار این نوشته حیف بود که کوتاه شود. در این شماره واپسین بخش نوشته مذکور به نظر خوانندگان گرامی می رسد.

کوشش های او را درباره زعفران و پسته که به صورت دو کتاب مستقل چاپ شده است، می شناختم: ولی در خیالم خطور نمی کرد درباره مطلبی عادی و کوچک ذخیره های بدین تفصیل و شیرینی در صندوق یادداشت های خود داشته باشد. معلوم می شود تتبع ایشان در متون، که بیشتر برای شناساندن معارف کشاورزی ایران بوده، موجب شده است مواد دیگری را که با تاریخ فرهنگی ملت ما مرتبط است گردآوری و بدین شسته رفتگی در جامه مقاله ای عرضه کند. خصوصیت نوشته او در این است که برای مطالبی از نوع زعفران، پسته و نقل، خرما و... همان کاری را کرده است که صد سال پیش لوفر در کتاب سینوپراییکا sino-iranica انجام داد ... امروز ابریشمی از ایرانشناسان است.

ایرانشناسی که دانستن تاریخ ادبیات و جغرافیا و تاریخ ایران در چهره علمی اوست.

مباحثی که، پس از شادروان، پیر استاد ما ابراهیم پورداود، در زبان فارسی درباره گیاهان و آثار و احوال آنها توسط ابریشمی طرح می شود، همان خصوصیات را دارد... آفرین بر قلم او و بر تازه جویی های او.

ابریشمی از مرحوم ایرج افشار و راهنمایی های بی شائبه و تشویق های دلگرم کننده ایشان با هیجان تعریف می کند و با پاک کردن قطرات اشک خود می افزاید: طی دو سفری که در معیت ایشان به خراسان رفتم، در تربت حیدریه و خواف خیلی چیزها از ایشان آموختم. هر جا در پژوهش های خویش به مشکل بر می خوردم، تلفنی از ایشان راهنمایی می خواستم که با مهریانی گره گشا بودند، مخصوصا به تحقیقات مخلص توجهی خاص داشتند و برخی از مقالات مخلص را در پژوهش های ایرانشناسی منتشر کردند. استاد ایرج افشار در برخی سفرها و نشست و برخاست ها با دوستان دانشمند خود از تحقیقات و آثار اینجانب با تمجید یاد می کرده اند. بدان سان که بعد از درگذشت ایشان، وقتی خودم را به برخی از آنان، از باب نمونه استاد احمد اقتداری، معرفی می کردم، بلادرنگ آنان یادآور می شدند که مرحوم ایرج افشار از کارهای پژوهشی تو خیلی تعریف می کردند. به روایت پزشک دانشمند آقای دکتر سیدحسین میرجملسی (فوق تخصص جهاز هاضمه)، استاد ایرج افشار تا آخرین لحظات زندگی پربار خود از حافظه ای پویا و نیرومند، سرشار از دانش ها و اطلاعات همه جانبه ای برخوردار بودند، در یکی از آخرین دیدارهایی که در مطب خدمتشان بودم صحبت از تحقیقات تو به میان آمد، دقایقی با تمجید از آثار، به خصوص مقالات «نقل» و «تنوزه» یاد کردند و برخی از آنها را کم نظیر برشمردند.

ابریشمی فوق العاده عاطفی است، به دوستان، استادان، خویشان، همکاران و همدیاران علاقه و توجهی خاص دارد. منزل او همواره محل تشکیل مجامع دوستانه است. از سال ۱۳۶۵ که بازنشست شد گروهی از همکاران بازنشسته خود را گرد می آورد، در سال ۱۳۶۷ تعداد آنان افزوده شد و به تدریج این گردهمایی به طور ثابت در روز دوم هر

برج زوج استمرار پیدا کرد. در سال ۱۳۷۴ بر آن شد که روز اول هر برج زوج را به گردهمایی همدیاران در منزل خود اختصاص دهد که تشکیل مستمر آن تسجیل گردید، و بعدا به لحاظ ترافیک تهران این همایش ها به اولین جمعه هر برج زوج تغییر پیدا کرد که صبح آن به همکاران و بعدازظهر به همدیاران اختصاص یافت و استمرار پیدا کرد. از نتایج آن بنیاد شرکت جمع اندیش با مشارکت همکاران بازنشسته بانک کشاورزی، و ایجاد تحرک بیشتر در بین

«گویند که هر چیز به هنگام، بود خوشای عشق چه چیزی که خوشی در همه هنگام» باری، از ۷۴ سال عمر سپری شده ام، یعنی ۲۷ هزار روز از دوران زندگانیم، بیشتر آن به کار یادگیری، مطالعه، تجربه و تلاش در دیار و محل کار و در کتابخانه ام، صرف شده که حاصل آن بسی شیرین و برایم دلنشین است. اکنون که به پایان تلاش هایم نزدیک می شوم در می یابم: با عنایت خداوند، زندگی پاداش های بسی شایسته به کوشش هایم داده است که تصور

نگاهی به زندگی و پژوهش های استاد دکتر محمدحسن ابریشمی



زمین و سرزمین

نمی گنجند؛ چون کفه پاداش های دریافتی ام، در ترازوی سنجش ذهنی، بر کفه تلاش هایم می چربد، از نظر ارزش و اعتبار معنوی به مراتب گرانبه تر است و به مصداق پیام حکیمانه لویی پاستور: «من آنچه در توان داشته ام انجام داده ام».

در پایان از استاد ابریشمی می خواهیم توصیه و پیامی عنوان کند، که در پاسخ می شنویم: «جوانان در گزینش همسر به هوش باشند، همسری همگن، همراه و حتی المقدور از خویشان و همدیاران برگزینند تا به سهولت اصالت و نجابت و خصوصیات پیدا و پنهان برای طرفین قابل بررسی و تحقیق باشد. قطعا نقش متقابل زنان و مردان در موفقیت های آنان و فرزندان شان تأثیری عمیق و ماندگار دارد. خود مخلص، همه فرصت های مقتنم آموزشی، تحصیلی، مطالعه مستمر جوانی را از مادرم دارم، و همه تلاش های کاری، پژوهشی و نگارشی خود طی ۴۶ سال اخیر تا امروز (جمعه اول آذر ۱۳۹۲) را مدیون همسر (حاجیه بانو پروین ابریشمی) هستم. چون با وجود اشتغال به آموزگاری، همه امور زندگی - اعم از کارهای منزل، رسیدگی به امور مدرسه فرزندانم (علی، پرستو و امیر

همدیاران برای تقویت جامعه تربیتی های مقیم تهران و انتشار ماهنامه پیک تربت و ... است، که هنوز هم این همایش ها ادامه دارد، که اثرات مثبت آن در گزینش مطلوب اعضای شورای اسلامی شهر تربت حیدریه در سال جاری (۱۳۹۲) توسط همدیاران ارجمند ما مشهود است. استاد ابریشمی در همین راستا می گوید: «تربت حیدریه و نیز بانگ کشاورزی، مواضع بسیار دوست داشتنی برای این هیچمدان بوده و همواره جای تلاش ها، تحرک ها، آموزش ها و بسی خاطرات خوش گذشته، و نیز جای بود و باش و محل کار خود و خویشان و دوستان و آشنایان دوران زندگانی من است، به همین دلایل دیدار مستمر همدیاران و همکاران که موجب نشاط روحی متقابل است از جلوه های درخشان روزهای زندگانی مخلص بوده. بدین سان علاوه بر همکاران و همدیاران، به خانواده و خویشانم علاقه مفرطی دارم. عشق و علاقه ام به «کتاب» و «ایران» و همه محصولات و پدیده ها و هر آنچه مربوط به این سرزمین است، از درگاه روشن کودکی تا دالان تاریک پیروی، رهایم نکرده است. به قول ادیب صابر ترمذی در قرن ششم هجری:

ارسطو) از دوره کودکی تا فارغ التحصیلی از دانشگاه، و ازدواج و سامان یافتن هر سه آنان - را عهده دار بوده است. این نکته مهم را نیز یادآور شوم که در تمام دوره اشتغال در بانک کشاورزی از نظر کاری ممتاز و تشویق و تقدیر فراوان کسب کرده و نمونه بوده ام، با این همه در جمع دوستان و همکاران شاغل و بازنشسته، همدیاران و خویشان بارها یادآور شده ام که مخلص برای خودم حین خدمت در بانک بیشتر خدمت کرده ام، چرا که با همه سنگینی کار بانکی، به محض آنکه کار روزانه در ثلث یا نیمی از ساعت رسمی اداری انجام می دادم، در ادامه به مطالعه کتاب می پرداختم، در حقیقت «سرمايه (سر+مايه)» من همان «مايه» های مطالعاتی و تحقیقاتی است که در دوران خدمت کسب کرده و به ذهن سپرده ام، که البته در دوران دانش آموزی و دانشجویی نیز علاوه بر تکالیف درسی، اوقاتی را به مطالعه تخصصی اختصاص داده ام که مجموعا اکنون «سرمايه» مرا تشکیل می دهند که بهره آن همان آثار پژوهشی و تألیفات ناچیز این کمترین است. بر این اساس به جوانان و خانواده ها توصیه می کنم که از «سرمايه» مطالعه به هیچ وجه غافل نباشند و به سیستم های رایانه و اینترنتی اکتفا نکنند، چون مطالعه «کتاب» چیز دیگری است. می توانند هر شبانه روز یک ساعت به مطالعه مفید اختصاص دهند و کتابخوانی را به کودکان خود نیز بیاموزند، و آنها را با کتاب مأنوس کنند. و به جای هدایای تولد، ازدواج، خانه نوی و دیگر مراسم کتاب را به عنوان بهترین و گرامی ترین تحفه به آنان، و نیز در دید و بازدیدها جاری و معمول به جای شیرینی و گل هدیه کنند و کتاب و کتابخوانی را از فضیلت ها و سنت های ارزشمند خانوادگی و ملی به حساب آورند».

امیدواریم استاد دکتر محمد حسن ابریشمی، این پژوهشگر دقیق و پرتلاش ۱۲۰ سال و بیش و بیشتر عمر کند. ولی وصیت ایشان چنین است: «وصیت کرده ام که در تربت حیدریه به خاک سپرده شوم و سنگ مرقدم را به شکل یک کتاب باز طراحی کنند و روی آن بنویسند: محمدحسن ابریشمی کسی که با کتاب زندگی کرد، به کتاب عشق ورزید و با کتاب درگذشت».

پی نویسی:

۱. طی سال هایی از عمر خویش یادداشت هایی درباره دیارمان «تربت حیدریه» و همدیاران اعم از بزرگان و دانشمندان، از جمله شادروان حسینعلی راشد و شیخ احمد تربتی (ملقب به سلطان العلماء) و... پرداخته و شرح احوال کامل قطب الدین حیدر عارف غریب قرن ششم خفته در تربت حیدریه را در ماهنامه پیک تربت به چاپ رسانده، و در کتاب دیار و همدیاران نیز از مجموعه یادداشت های خود درباره تربت حیدریه و همشهریان «پانزده یادداشت را منتشر کرده است. و اگر عمری باقی باشد بقیه یادداشت ها را منتشر خواهد کرد، ان شاء الله.



در دوره جدید ضمیمه فرهنگی، صفحات، اهداف و مطالب تغییراتی کرده است. و از همین منظر می‌گوшим دیدار و گفت و شنیدی با نخبگان دانش و اندیشه، نویسندگان و مترجمان، آفرینندگان فرهنگ و هنر داشته باشیم و بر اساس نیازها و شرایط هر دیدار، شرح و گزارش برای خوانندگان گرامی و مخاطبان این صفحات تدارک ببینیم. علامه محمد قزوینی، در مکتوبی به سید محمد علی جمالزاده داستان نویس برجسته و شهیر ایران نوشتند به بسیاری از جوانان و شاگردان فرهنگ و دانش، توصیه می‌کنند تا به دیدار بزرگان علم و فرهنگ و هنر بشتایند و در برابر معارف و برجستگان زانوی ادب به زمین زده، گوش جان را بکشایند و از ذخایر و دانش آنان بهره گیرند.

اما آنچه مهم‌تر است، آموختن کیفیات رفتار و انات سخن و نظر و شیوه و اندرزهای این بزرگان و مشاهیر است، زیرا تا کسی محضر بزرگان را درک نکرده باشد، بزرگ نخواهد شد.

این مضمون را همواره باید به خاطر بسپاریم زیرا پند و آموزه یکی از بزرگترین محققان و بلکه پیشگام تحقیق و دقت و فرزاندگی در عرصه تاریخ و ادب و پژوهش و فرهنگ نوبن میهن ماست. اما قصد دارم گسـتاخی کنم-و به فرمایش علامه قزوینی این نکته را بیفزایم-که تکریم و دیدار و گرامی‌داشتن بزرگان، همانا کرامت و فضل فرهنگ و تأکید بر مقام اندیشه و سخن نیز هست؛ همچنان‌که ارج پژوهش و دانش است.

به عنوان یک روزنامه‌نگار، یکی از بخت‌ها-و فراتر از بخت، یکی

از فخرهای -نگارنده، دیدار، گفت و گو و مصاحبت بزرگان فرهنگ ایران بوده‌است. فهرستی که بر اساس آن، اوج و فرازاها و خیزش و تموج فکر و نظر و ادبیات و تاریخ و هنر و علوم و در یک کلام فرهنگ و پژوهش علمی در کشور عزیز و کهنسال ما، ایران‌زمین، طی چهار دههٔ اخیر قابل ردیابی و ره‌گیری است و ردپای این بزرگان در دهـسته‌های اندیشه و فرهنگ ایران تنها و بلکه بهترین مسیرهای ممکن بوده و هنوز هست، خطی مستد که در سایهٔ زبان و ادب و تاریخ ایران، همواره همه انسان‌ها را به مقصود و مقصد عالی رهنمون خواهد شد:

این خط خداهما که به صحرا نوشته‌اند

یاران رفته یا قلم یا نوشته‌اند
گوینی این تک بیت شعر سبک هندی از اعاظ قزوینی (ملا محمد رفیع، متولد ۱۰۲۷- متوفای ۱۰۹۰)، اشارتی به همین ماندگاری و امتداد دارد- یا من چنین تأویل می‌کنم. اما بی‌گمان فرمایش حضرت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، بیـش و بهتر ناظر به همین معنی است و چه دلنشین و زیبا فرموده است:

هر که خواهد هم‌نشینی خدا

از حضور اولیا گر بگسلی
تو هلاکی، زانک جزوی بی‌کلی
هر که راه دیو از کربمان وایرد
بی‌کشش باید سرش را وا خورد
هین که اسرافیل وقتانند اولیا

مرده را زیشان حیات است و نما
این همه اشارت، بشارتی از خستگی حضور و محضر بزرگان و اندیشمندان و صاحبان علم و فضل است. حکیمان، ادیبان، مورخان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، استادان شایسته علوم انسانی و دیگر رشته‌های علوم...، به برکت نفس گرم ایشان است که بسیاری از شاگردان و دانشجویان و صاحبان استعداد راهجویی کرده و مسیر و منزل آینده خویش را بر می‌گزینند. مقام ایشان، آموزگاری و استادی است و در عرصه اندیشه و نظر نیز مردشی و صاحب‌نظری و ای بسا که‌جامع فنون و فضایل، و آداب و هنرها، بودن و نیز خردمندی و با ادب و نکته دادن بودن:



دکتر فولادوند و دکتر جواد طباطبایی

منظور خردمند من آن ماه که او را
با حسن ادب شیوه صاحب‌نظری بود
این مقدمه البته طولانی شد تا ذوق و شوق دیدار افزون شود. نوبت این دیدار را با حضور در خدمت استاد فلسفه، اندیشمند، نویسنده و مترجم نامدار ایران، دکتر عزت‌الله فولادوند سامان داده و به‌قول دولتیسان «فتتاح» کرده‌ایم تا به افتخار و خجستگی این دیدار، در شماره‌های پسین، بتوانیم به بهانه‌های گوناگون، به دیدن و شنیدن سخن بزرگان اندیشه، مردان و زنان عرصه قلم، و آفرینندگان فرهنگ و هنر ایران بشتاییم و از کیفیت بیان و ذخیره دانش ایشان بهره بگیریم و از شاخسار فضل آنان خوشه‌ها بچینیم. خوشا این آغاز، ابتدا خدمت استاد شفیعی کدکنی رسیدیم و اینک به حضور استاد فولادوند مشرف شده‌ایم:

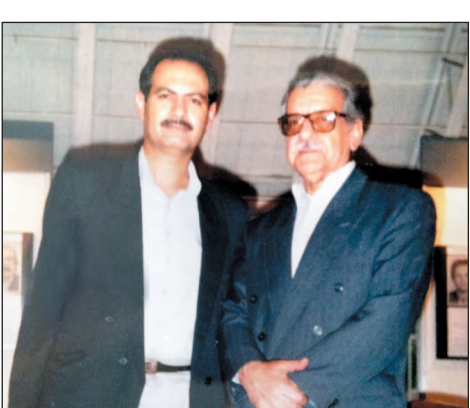
دکتر عزت‌الله فولادوند هم‌ایک‌وارد هشتادو چهارمین سال زندگی پرپرار خود شده است و چند ماه قبل به همت مدیر انتشارات مینوی خرد، خانم دکتر پروانه شعبانی و چند تن از دوستان، جشن تولد ایشان در میان دوستان صمیمی، ساده و شیرین برگزار شد. همه برای استاد آرزوی سلامتی و طول عمر کردند و همان روزها بود که جلسه بزرگداشت استاد و دفتری به پاس خدمات ایشان از سوی انتشارات مینوی خرد به چاپ رسید. در آن کتاب که اثری آراسته و وزین بود، جمعی از بزرگان فرهنگ ایران به احترام فولادوند قلم زده و آثاری تقدیم کرده بودند. از جمله سید محمد خاتمی، استاد مصطفی محقق داماد، سید جواد طباطبایی، محمدعلی محمد، رضا داوری اردکانی، حسین معصومی همدانی، داود فرحی حمیرا مشیرزاده، مرتضی تموج فکر و نظر و ادبیات و تاریخ و هنر و علوم و در یک کلام فرهنگ و پژوهش علمی در کشور عزیز و کهنسال ما، ایران‌زمین، طی چهار دههٔ اخیر قابل ردیابی و ره‌گیری است و ردپای این بزرگان در دهـسته‌های اندیشه و فرهنگ ایران تنها و بلکه بهترین مسیرهای ممکن بوده و هنوز هست، خطی مستد که در سایهٔ زبان و ادب و تاریخ ایران، همواره همه انسان‌ها را به مقصود و مقصد عالی رهنمون خواهد شد:

این خط خداهما که به صحرا نوشته‌اند
یاران رفته یا قلم یا نوشته‌اند
گوینی این تک بیت شعر سبک هندی از اعاظ قزوینی (ملا محمد رفیع، متولد ۱۰۲۷- متوفای ۱۰۹۰)، اشارتی به همین ماندگاری و امتداد دارد- یا من چنین تأویل می‌کنم. اما بی‌گمان فرمایش حضرت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، بیـش و بهتر ناظر به همین معنی است و چه دلنشین و زیبا فرموده است:

هر که خواهد هم‌نشینی خدا
از حضور اولیا گر بگسلی
تو هلاکی، زانک جزوی بی‌کلی
هر که راه دیو از کربمان وایرد
بی‌کشش باید سرش را وا خورد
هین که اسرافیل وقتانند اولیا

مردم را زیشان حیات است و نما
این همه اشارت، بشارتی از خستگی حضور و محضر بزرگان و اندیشمندان و صاحبان علم و فضل است. حکیمان، ادیبان، مورخان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، استادان شایسته علوم انسانی و دیگر رشته‌های علوم...، به برکت نفس گرم ایشان است که بسیاری از شاگردان و دانشجویان و صاحبان استعداد راهجویی کرده و مسیر و منزل آینده خویش را بر می‌گزینند. مقام ایشان، آموزگاری و استادی است و در عرصه اندیشه و نظر نیز مردشی و صاحب‌نظری و ای بسا که‌جامع فنون و فضایل، و آداب و هنرها، بودن و نیز خردمندی و با ادب و نکته دادن بودن:

مردم را زیشان حیات است و نما
این همه اشارت، بشارتی از خستگی حضور و محضر بزرگان و اندیشمندان و صاحبان علم و فضل است. حکیمان، ادیبان، مورخان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، استادان شایسته علوم انسانی و دیگر رشته‌های علوم...، به برکت نفس گرم ایشان است که بسیاری از شاگردان و دانشجویان و صاحبان استعداد راهجویی کرده و مسیر و منزل آینده خویش را بر می‌گزینند. مقام ایشان، آموزگاری و استادی است و در عرصه اندیشه و نظر نیز مردشی و صاحب‌نظری و ای بسا که‌جامع فنون و فضایل، و آداب و هنرها، بودن و نیز خردمندی و با ادب و نکته دادن بودن:



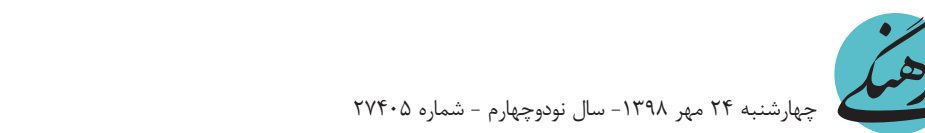
دکتر فولادوند و سید مسعود رضوی

مردمی منسوب می‌شوند و هم نظام‌های پارلمانی که مع‌الواسطه و به دست و کلاهی مردم، اراده و خواست اکثریت اعمال می‌شود، این امکان وجود دارد که دولت یا حاکمان یا نظام‌های سیاسی تغییر کنند و از در افتادن به دام استبداد و جباریت رهایی یابند. دموکراسی در حقیقت زمانی متحقق و پدیدار می‌شود که اقلیت بتواند به فعالیت و تلاش خود برای جلب نظر اکثریت ادامه دهد و همواره رقابتی عادلانه میان تمایلات، احزاب و گرایش‌های مختلف وجود داشته باشد و هیچ کس از حذف و نابودی و پایمال شدن نهراسد. دموکراسی، با حفاظت از حق اقلیت، پایدار و پدیدار شده و اصالت آن به همین موضوع بستگی دارد. دیکتاتوری پرولتار یا که نظام سیاسی مورد علاقه مارکسیست‌ها محسوب می‌شد، به رغم تکیه بر اکثریت کارگری در کشورهای صنعتی، یا بعداً اکثریت دهقانی در کشورهای نظیر چین، اتکا داشت اما نوعی دیکتاتوری اکثریت بود که به سرعت به دست اقلیت پیشواز یا رهبران غضب شده و بدل به حکومت‌های جبار و یک گروه مشکل پیشرو و بعداً یک لیدر برجسته حزبی نظیر استالین یا مانو یا انور خوجه یا کاسترو می‌شد.

چهارمین مزیت دموکراسی، در زایش احزاب و پرورش نیروها و نهادهای سیاسی قابل و سیاستمدارانی با گرایشات و سلاطیق و برنامه‌های مختلف قابل بررسی است، احزاب و برنامه‌های ضروری برای تشکیل دولت یا پارلمان یا نهادهای سیاسی و مدیریت جامع در عرصه‌های عمومی، نیازمند مهارت و آموزش و بیش از آن نیازمند تمرین سیاست هستند. این ممارست و تمرین که بهترین نیروها را جذب می‌کند و آموزش می‌دهد و آماده‌رود به عرصه جامعه و مدیریت سیاسی می‌کند، درهای گشوده احزاب است. حتی خطابه و ادبیات سیاسی، در گرایش‌های چپ و راست و میانه و انقلابی و محافظه کار و... همگی بدون وجود احزاب قدرتمند و ریشه‌دار، قابلیت ظهور و بروز ندارد.

پنجم و یکی دیگر از مهم‌ترین ارزش‌ها و قابلیت‌های دموکراسی، حفظ منابع، پاسخ‌گو کردن دولتها و مقامات سیاسی، و استیضاح مداوم اصحاب قدرت و نظارت رسانه‌ای و حزبی بر عملکردهای دولتمردان و

دیدار با دکتر عزت‌الله فولادوند به پاس شصت‌سال ترجمه و نگارش سیاسی، فلسفی و تاریخی و پژوهش در قانون و آزادی، قدرت و ایدئولوژی...



چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۰۵



فرسایش و اهمال، در کنار تعصب و کلیشه کردن را برای پیروان تجويز می‌کردند.

در نظام‌های دموکراتیک و لیبرال مسلک، پیروی معنایی ندارد، بلکه انضمام اندیشه‌ها و نقد نظریه‌ها در کنار ایده‌ها و تحلیل‌های تازه، موجب زایش اندیشه و ارتقای دانش می‌شود، اما در ایران و بسیاری از کشورهای درحال توسعه، و حتی در احزاب برادر که در اروپای اوایل قرن بیستم بسیار فعال بودند، حتی پرسشگری مذموم بود. یک گناه نابخشودنی محسوب می‌شد. هر گونه نقد و نظر تازه، به عنوان رویزیونیسم یا تجدیدنظر طلبی سر کوب می‌شد و عواقب وخیمی برای گوینده و صاحب رای و کتاب و نظر به همراه داشت.

این سخن در ادامه مطرح شد که در نتیجه همین فرآیند منحص و کلیشه‌ای، اندک دقت و ژرفایی هم که در سنت حکمی و علوم سنتی هم وجودداشت به حاشیه رانده شد. در گذشته، «شرح‌الاسم» یا توضیح و ایضاح اصطلاحات، و روشن کردن مفهوم دقیق آن، یک مهارت و نوعی مقدمه در مباحث علمی بود.

براین اساس، حد و فصل و تعریف دقیق یک علم و اصطلاحات آن روشن می‌شد. اما در ایده استالینیستی از کمونیسم، شما باید با داشتن اطلاع از چند اصطلاح به ترویج و تبلیغ حزب و عقاید و منافع آن بپردازید و به کمونیسم و بورژوازی و امپریالیسم و چند هدف کلی و مبهم مدام حمله کنید. این ویرانی، و آن تبلیغات دو روی یک سکه‌اند. شما یک جریان منحط و فاسد و استبدادی را به نحو غیرمنطقی و بدون دلایل و دستاوردهای کافی و حقیقی برجسته و تبلیغ می‌کنید و این را رکن و جوهر ایدئولوژی نوین و بی‌خدشه و بی‌عیب و نقص معرفی می‌کنید، و بقیه را دشمن و منحط و توطئه‌گر و مغلوط و منحرف می‌دانید. ایدئولوژی کمونیسم و به یک معنا ایدئولوژی چیزِی بیش از این در محبط اندیشه باقی نمی‌گذارد. همه یا مریدند یا دشمن. جهان میانه، حلقه‌های واسطه، گفتگو، پرسش، نقد و تفاوت و تساهل بی‌معنی است.

کاری که امروز بر عهده روشنفکران است، به نظر من، زدودن همین اساطیر و افسانه‌هاست که به نام نظریه و ایده به خورد افراد

دیدار با دکتر عزت‌الله فولادوند به پاس شصت‌سال ترجمه و نگارش سیاسی، فلسفی و تاریخی و پژوهش در قانون و آزادی، قدرت و ایدئولوژی...

اندیشه آزاد ، آزادی اندیشه

مشترک و یک همکاری نهان، به جای دقت در تعاریف و تعمیق مفاهیم، آنها را سبک سرانه و سست کرده‌اند. نتیجه آن که دستاوردهای اندک متفکران مشروطه نیز به باد فنا داده شد.

استاد فولادوند فرمودند: بزرگترین نقش را در این زمینه حزب توده داشت. اگر در فرهنگ سیاسی و نوشته‌ها و دستاوردهای عناصر یا متفکران مذهبی، به ویژه آنها که رادیکال‌تر و تندرتو بودند، مشابهتی می‌بینیم، نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم همان فرآیند یا همان جریان است. جریانی که موجب فساد متفکران و کلیشه‌ای شدن پیروان می‌شود. کمونیست‌های استالینی، و تمام احزاب و افرادی که گوش به کنگر‌های انترناسیونال در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سپهرند، همه دچار این بیماری شدند و در حقیقت نوعی

اما به راستی قدرت چیست و چرا چنین نتایج هولناکی به بار



می‌آورد؟ این پرسشی است که پس از این مباحث جالب از استاد می‌رسم.

استاد فولادوند بارها عبارت حکیمانه لُرد اکتون را نقل کرده و بدان علاقه دارند: «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق!» در واقع اصل این سخن، علاوه بر این تمثیل عمیق، اضافه‌ای هم دارد: «مردان بزرگ همیشه مردان بدی هستند، حتی وقتی که به جای اقتدار از نفوذ خود استفاده می‌کنند.» جرج امریک، ادوارد دلبرگ اکتون، معروف به لرد اکتون، مورخ و فیلسوف نامدار انگلیسی در سده نوزدهم میلادی بود و این جمله را در نامه‌ای به تاریخ ۵ آوریل سال ۱۸۸۷ به اسقف مندل کراپتون نوشت. عبارتی که جمله اول آن از همان زمان به نقل قول مشهوری نزد سیاستمداران و فیلسوفان سیاسی و نویسندگان و خطیبان بدل شد.

دکتر فولادوند نیز در تمام این‌ عرصه‌ها خبرگی و صلاحیت، بلکه امتیازات ویژه دارد. در فلسفه، گشایش و اعتلای نثر فلسفی معاصر، در عرصه تاریخ و فلسفه تاریخ، در سیاست و اندیشه سیاسی، در باب ادبیات هم ... شعر و نثر ادبی را با تمام وجود دوست می‌دارد. در این زمینه چند رمان درجه اول همچون امریکایی آرام و قول را به پارسی برگردانده است که هر دو جزو آثار ترجمهٔ کلاسیک و محبوب خوانندگان محسوب می‌شوند.

اما در شعر، سعدی را بسیار پسندیده و فردوسی را بزرگ می‌دارند. همنشین و جلس‌ایشان، کلیات سعدی است و مکرر به قول و شعر سعدی استادان می‌کنند. به گمانه یکی از رازهای نثر زیبای دکتر فولادوند را باید در همین امر جست و جو کرد. اما اگر داستان ترجمه آثار فکری، فلسفی و سیاسی را در ایران معاصر جست و جو کنیم، نقش فولادوند را بهتر و درخشان‌تر خواهیم یافت. از آن جهت که ایشان در این عرصه، یعنی ترجمه و بازپروزی نثر فلسفی و اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی به زبان درّی، از زبندگان بوده‌اند، توضیح کوتاهی می‌دهم تا موضوع روشن‌تر شود: امروزه همه می‌دانیم که تا پیش از مشروطیت، جز اثر معروف دکارت، یعنی «گفتار در روش درست‌راه بردن عقل» که به نام کتاب حکیم دیاکرت توسط سلیمان تبریزی و امیل برنه یا گوینو و جناب انشراح کانت، هگل و مارکس ظهور کرده و جهان آشنایی جدی از سوی ایرانیان با حکمت جدید غرب وجود نداشت. در حقیقت آن مقدار که حکیم زنونی و برخی شهزادگان کتاب خوانده قاجار، نظیر فرهاد میرزا و میرزا عمادالدوله بدیع‌الملک و برخی دیگر مورد اشاره قرار می‌گرفت، اصلاً قابل ذکر نیست. در جهان غرب، فیلسوفان دوران‌ساز نظیر کانت، هگل و مارکس ظهور کرده و جهان را در می‌نوردیدند، اما ما تا دوران روشنگری در عصر مشروطه بی‌خبر ماندیم. آنچه آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، و به خصوص برخی نویسندگان زبده مجلهٔ اختر در استانبول بیان می‌کردند، جرقه تحول و آشنایی بود. ولی بازهم باید صبر می‌کردیم و حقیقت آن است که محمدعلی فروغی و ترجمه‌ها یا تبلیغات نخستین باب جدی در عرصه ملاقات ایرانیان با اسم و رسم و تاریخ حیات فیلسوفان غرب و تلاش برای درک مفاهیم و پرسش‌های آنان بود. فروغی ظاهراً سومین نفری بود که به ترجمه اثر پیش گفته از دکارت هم اهتمام کرد. از آن لحظه که سیر حکمت در اروپا به چاپ رسید تا دهه ۳۰ که کاویانی و محمدحسن طالعی، آثار افلاطون و فیلسوفان جدید را به فارسی برگردانند، هیچ کار مهمی صورت نگرفت. شاید خطابه و شوق الدوله درباره فلسفه کانت که در صحن دانشکده معقول و منقول ادا شد و برخی از آثار و مقالات ناقص در یغما و سخن هم به توازی چیزهایی برای طرح و شناخت به همراه می‌آورد. نام ویگنر و شتان و وایتهد و راسل و هیدگر و دیگران اصلاً به گوش‌ها نخورده بود. جالب آن که فروغی هم فلسفه نخوانده بود. تنها به تفنن اما با جدیت در اواخر عمر به سراغ حکمت غربی رفت. او در ترجمه متون



در ضیافت روزنامه اطلاعات. از چپ: سید محمود دعایی، علیرضا خانی، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر ابوالقاسم قاسم زاده

حکمی کهن هم پیشگام بود و فن سماع طبیعی بوعلی را به پارسی پاکیزه و امروزی ترجمه و نشر کرد. به هر حال حق دکا‌الملک فروغی بیش از آن است که در این اندک بضاعت و مهلت بتوان ادا کرد.

اما از نیمه دهه ۳۰ یکباره نیاز به درک فرهنگ غرب در ایرانیان بیدار شد. نسلی از کوشندگان و زبان دانان که فلسفه هم خوانده بودند، به این‌ عرصه گام نهادند. ترجمه متون و آثار فلسفی رونق گرفت اما البته با اعوجاجات و آزمون و خطاهای فراوان. افرادی مانند زنده یادان منوچهر بزرگمهر، شرف‌الدین خراسانی، نجف دریابندری، دکتر علیمراد داودی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر حمید عنایت و... آثار جالبی را به فارسی ترجمه و تألیف کردند اما مهم‌ترین زمینه برای کار ایشان، گزینش یا به‌گزینی واژگان و اصطلاحات مناسب بود. برخی به قیاقی ویژه و سبکی دشوار رو‌آوردند همچون استاد بزرگ فلسفه جناب دکتر مژمل‌الدین ادیب‌سلطانی که با کتاب مستطاب «سنجش خردناب» یا همان نقد ادل ایمانوئل کانت، باب و دوران تازه‌ای در فرهنگ فلسفی معاصر ایران گشود و برخی بر همان لهج و روش اعتدالی فروغی که در سیر حکمت در اروپا یخته و سخته شده و از سوی مخاطبان نیز پذیرفته شده بود، معیارهای فلسفی پارسی را در روزگار ماسک‌ل دادند. دکتر فولادوند در رأس این هرم و در همین جریان قرارداشت و دارد. او با ترجمه آثار کلاسیک، توارخ، تک نگارهای و سرانجام متون تحلیلی در عرصه فلسفه، نشان داد که سخن درّی، تنها از شعر و زیبایی‌های زبان مادری بهره وافر ندارد، بلکه اگر به جور و جنای تاریخ، در علم و فلسفه جامانده، ولی ظریف‌تی و عظیم و نهفته دارد که تنها آشنایان با فلسفه غرب و زبان و فرهنگ پارسی قادرند تالطم و ترجمه و مفاهم‌های ایجاد کنند و قدرت نثر پارسی را به اوج و ارجحی برسانند که پورسینا در دانشنامه علایی و خواجه نصیر و باباافضل و دیگران در آثار و مقالات خویش استعلا بخشیدند. نمونه‌ها را اگر برشمارم به فهرست کامل آثار فلسفی، اعم از ترجمه و تألیفات استاد فولادوند باید استاد کنم. پس درمی‌گذرم و اشاره می‌کنم به این که ایشان بشارت دادند به دو اثر تازه، یکی نقد عقل عملی کانت که کتابی بس دشوار در تاریخ فلسفه بوده و هست دیگری مقالاتی-از بانوی متفکر آلمانی هانا آرنت که پیش از این دو کتاب خشونت و انقلاب وی، به قلم استاد ترجمه شده و خوارزمی آن را بارها چاپ کرده بود.

نشر روان و دلنشین فولادوندگاهی از یاد خواننده می‌برد که چه خون دل‌ها خورده شده تا این مفاهیم سخت و دشوار بدین زیبایی و سهولت روان گشته و در اختیار ما قرار گرفته است... نمونه درجه اول و فاضل مثال معتبر، فصل مربوط به هیدگر در کتاب فلاسفه بزرگ اثر بریان مگی قنبد است که همین امسال در گذشت.

ما آثار متعدد از مارتین هیدگر به زبان پارسی داریم، از فردید و عجایب مصطلحات وی تا مترجمان سه‌گانه‌ای که «هستی و زمان» یعنی اثر مهم وی را لباس پارسی پوشانده‌اند، انصاف را که متن کوتاه فولادوند بهترین مقدمه و مهم‌ترین مدخل برای ورود به جهان پیچاپیچ و رازآلود فلسفه هیدگر است. فولادوند از یک نظر به بریان مگی شباهت دارد و آن گسترش فلسفه و فهماندن مفاهیم و مکاتب و متون صصب به تعداد پرشماری از خوانندگان عادی و غیر‌عادی است.

وابسین نکته را بگویم و سخن را تمام کنم. استاد یگانه فرزانه ما دکتر عزت‌الله فولادوند، در هشتاد و چهارمین سال زندگی پرپرار خود، همچنان شاداب و امیدوار، ستوده و استوار، و از حیث فعالیت علمی و پژوهش، چالاک و هوشیار به اندیشه و ترجمه و تحقیق، و به کار و دیدار ادامه می‌دهند و این مایه خردسندی و دستاويز این نیايش ماست که: دیر زیاد آن بزرگوار خداوند...



در ضیافت روزنامه اطلاعات. از چپ: سید محمود دعایی، علیرضا خانی، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر ابوالقاسم قاسم زاده

در دوره جدید ضمیمه فرهنگی، صفحات، اهداف و مطالب تغییراتی کرده است. و از همین منظر می‌کوشیم دیدار و گفت و شنیدی بانخبگان دانش و اندیشه، نویسندگان و مترجمان، آفرینندگان فرهنگ و هنر داشته باشیم و بر اساس نیازها و شرایط هر دیدار، شرح و گزارش برای خوانندگان گرامی و مخاطبان این صفحات تدارک ببینیم. علامه محمد قزوینی، در مکتوبی به سید محمد علی جمالزاده داستان نویس برجسته و شهیر ایران نوشتند به بسیاری از جوانان و شاگردان فرهنگ و دانش، توصیه می‌کنند تا به دیدار بزرگان علم و فرهنگ و هنر بشتایند و در برابر معارف و برجستگان زانوی ادب به زمین زده، گوش جان را بکشایند و از ذخایر و دانش آنان بهره گیرند.

اما آنچه مهم‌تر است، آموختن کیفیات رفتار و انات سخن و نظر و شیوه و اندرزهای این بزرگان و مشاهیر است، زیرا تا کسی محضر بزرگان را درک نکرده باشد، بزرگ نخواهد شد.

این مضمون را همواره باید به خاطر بسپاریم زیرا پند و آموزه یکی از بزرگترین محققان و بلکه پیشگام تحقیق و دقت و فرزاندگی در عرصه تاریخ و ادب و پژوهش و فرهنگ نوبن میهن ماست. اما قصد دارم گستاخی کنم-و به فرمایش علامه قزوینی این نکته را بیفزایم-که تکريم و دیدار و گرامی داشتن بزرگان، همانا کرامت و فضل فرهنگ و تأکید بر مقام اندیشه و سخن نیز هست؛ همچنان که ارج پژوهش و دانش است.

به عنوان یک روزنامه‌نگار، یکی از بخت‌ها-و فراتر از بخت، یکی

از فخرهای -نگارنده، دیدار، گفت و گو و مصاحبت بزرگان فرهنگ ایران بوده‌است. فهرستی که بر اساس آن، اوج و فرازاها و خیزش و تموج فکر و نظر و ادبیات و تاریخ و هنر و علوم و در یک کلام فرهنگ و پژوهش علمی در کشور عزیز و کهنسال ما، ایران‌زمین، طی چهار دههٔ اخیر قابل ردیابی و ره‌گیری است و ردپای این بزرگان در دهست‌های اندیشه و فرهنگ ایران تنها و بلکه بهترین مسیرهای ممکن بوده و هنوز هست، خطی مستد که در سایهٔ زبان و ادب و تاریخ ایران، همواره همه انسان‌ها را به مقصود و مقصد عالی رهنمون خواهد شد:

این خط خداهما که به صحرا نوشته‌اند

یاران رفته یا قلم یا نوشته‌اند
گوینی این تک بیت شعر سبک هندی از اعاظ قزوینی (ملا محمد رفیع، متولد ۱۰۲۷- متوفای ۱۰۹۰)، اشارتی به همین ماندگاری و امتداد دارد- یا من چنین تأویل می‌کنم. اما بی‌گمان فرمایش حضرت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، بی‌ش و بهتر ناظر به همین معنی است و چه دلنشین و زیبا فرموده است:

هر که خواهد هم‌نشینی خدا

از حضور اولیا گر بگسلی
تو هلاکی، زانک جزوی بی‌کلی
هر که راه دیو از کربمان وابد
بی‌کشش باید سرش را وا خورد
هین که اسرافیل وقتانند اولیا

مرده را زیشان حیات است و نما
این همه اشارت، بشارتی از خستگی حضور و محضر بزرگان و اندیشمندان و صاحبان علم و فضل است. حکیمان، ادیبان، مورخان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، استادان شایسته علوم انسانی و دیگر رشته‌های علوم...، به برکت نفس گرم ایشان است که بسیاری از شاگردان و دانشجویان و صاحبان استعداد راهجویی کرده و مسیر و منزل آینده خویش را بر می‌گزینند. مقام ایشان، آموزگاری و استادیت است و در عرصه اندیشه و نظر نیز مردشی و صاحب‌نظری و ای بسا که‌جامع فنون و فضایل، و آداب و هنرها، بودن و نیز خردمندی و با ادب و نکته دادن بودن:



دکتر فولادوند و دکتر جواد طباطبایی

منظور خردمند من آن ماه که او را با حسن ادب شیوه صاحب‌نظری بود این مقدمه البته طولانی شد تا ذوق و شوق دیدار افزون شود. نوبت این دیدار را با حضور در خدمت استاد فلسفه، اندیشمند، نویسنده و مترجم نامدار ایران، دکتر عزت‌الله فولادوند سامان داده و به قبول دولتیسان «فتتاح» کرده‌ایم تا به افتخار و خجستگی این دیدار، در شماره‌های پسین، بتوانیم به بهانه‌های گوناگون، به دیدن و شنیدن سخن بزرگان اندیشه، مردان و زنان عرصه قلم، و آفرینندگان فرهنگ و هنر ایران بشتاییم و از کیفیت بیان و ذخیره دانش ایشان بهره بگیریم و از شاخسار فضل آنان خوشه‌ها بچینیم. خوشا این آغاز، ابتدا خدمت استاد شفيعی کذنی رسیدیم و اینک به حضور استاد فولادوند مشرف شده‌ایم:

دکتر عزت‌الله فولادوند هم‌ایک‌وارد هشتادو چهارمین سال زندگی پر بار خود شده است و چند ماه قبل به همت مدیر انتشارات مینوی خرد، خانم دکتر پروانه شعبانی و چند تن از دوستان، جشن تولد ایشان در میان دوستان صمیمی، ساده و شیرین برگزار شد. همه برای استاد آرزوی سلامتی و طول عمر کردند و همان روزها بود که جلسه بزرگداشت استاد و دفتری به پاس خدمات ایشان از سوی انتشارات مینوی خرد به چاپ رسید. در آن کتاب که اثری آراسته و وزین بود، جمعی از بزرگان فرهنگ ایران به احترام فولادوند قلم زده و آثاری تقدیم کرده بودند. از جمله سید محمد خاتمی، استاد مصطفی محقق داماد، سید جواد طباطبایی، محمد علی موحد، رضا داوری اردکانی، حسین معصومی همدانی، داود فرحی حمیرا مشیرزاده، مرتضی مردیپا، پیروز سیار، مهری بهفر، هادی عالم‌زاده، سعید عدالت‌نژاد و... این‌جمع متکثر از بزرگان فرهنگ و اندیشه، به حق از خدمات و میراث علمی و ره‌گیری است و ردپای این بزرگان در دهست‌های او را شایسته جایگاهی والا در عرصه تفکر و فلسفه و حتی نثر ممتاز فارسی قلمداد کرده‌اند.

پس از آن دیدار و جلسه، چندین نوبت، امکان مصاحبت و رشتن کلمات و سخنان دکتر عزت‌الله فولادوند برای من میسر شد؛ غالباً در منزل شخصی قدیمی و سستی و محبوب ایشان در خیابان دکتر شریعتی و دیدن نظم در رفتار و فصاحت و تشخص در گفتار و شیوه استدلال استاد که به گمانم همواره در هر دیدار موجب اعتبار و اتمان برای من و مخاطبانی است که در این جلسات حضور داشته‌اند. نکاتی را یادداشت کرده‌ام تا فراموش نکنم و این نکات با حذف گفتگوهای شخصی و برخی تعاریف و تعارفات، در مجموع می‌تواند نشان دهنده سبک بیان و علایق و شیوه برهان جناب استاد فولادوند باشد.

دکتر فولادوند معتقدند که بزرگترین دستاورد در عرصه تاریخ و اندیشه سیاسی‌بشر، جمهوری‌یت یا دموکراسی است، اما این امر طی فرایندی طولانی برای ملت‌هایی به دست آمده که متحمل هزینه‌های سنگینی شده‌اند. هزینه‌هایی که ارزش آن را داشته و آنچه در سایه دموکراسی حاصل شده چندین دستاورد یا نتیجه بسیار مهم، و به یک معنا بی‌نظیر، در تاریخ بشر است: نخست؛ پایداری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این کشورها و تداوم و پویایی تمدن در جوامع دموکراتیک است.

دوم؛ کاهش و شاید حذف فاصله میان دولت و ملت و پیدایش مفهوم اقتدار ملی در پرتو مفهوم ملت است. در واقع تنها دموکراسی است که به زایش ملت و سپس محور قرار گرفتن آراء و منافع ملت به جای سلسله‌ها و روابط و کاست‌ها و خواست‌ها و قدرت‌های متمرکز یا شاهان و استبدادهای مطلقه فردی و سلطنتی منتهی می‌شود. سومین مسأله؛ پاسخگویی و امکان جای‌جایی یا چرخش نخبگان و مدیران سیاسی در رأس هرم قدرت، یعنی حکومت‌ها و دولت‌ها است. در این عرصه، هم افراد و نظام‌ها و نهادهایی که با رأی مستقیم

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۰۵



مردمی منسوب می‌شوند و هم نظام‌های پارلمانی که مع‌الواسطه و به دست و کلای مردم، اراده و خواست اکثریت اعمال می‌شود، این امکان وجود دارد که دولت یا حاکمان یا نظام‌های سیاسی تغییر کنند و از در افتادن به دام استبداد و جباریت رهایی یابند. دموکراسی در حقیقت زمانی متحقق و پدیدار می‌شود که اقلیت بتواند به فعالیت و تلاش خود برای جلب نظر اکثریت ادامه دهد و همواره رقابتی عادلانه میان تمایلات، احزاب و گرایش‌های مختلف وجود داشته باشد و هیچ کس از حذف و نابودی و پایمال شدن نهراسد. دموکراسی، با حفاظت از حق اقلیت، پایدار و پدیدار شده و اصالت آن به همین موضوع بستگی دارد. دیکتاتوری پرولتار یا که نظام سیاسی مورد علاقه مارکسیست‌ها محسوب می‌شد، به رغم تکیه بر اکثریت کارگری در کشورهای صنعتی، یا بعداً اکثریت دهقانی در کشورهای نظیر چین، اتکا داشت اما نوعی دیکتاتوری اکثریت بود که به سرعت به دست اقلیت پیشناز یا رهبران غضب شده و بدل به حکومت‌های جبار و یک گروه متشکل پیشرو و بعداً یک لیدر برجسته حزبی نظیر استالین یا مانو یا انور خوجه یا کاسترو می‌شد.

چهارمین مزیت دموکراسی، در زایش احزاب و پرورش نیروها و نهادهای سیاسی قابل و سیاستمدارانی با گرایشات و سلاایق و برنامه‌های مختلف قابل بررسی است، احزاب و برنامه‌های ضروری برای تشکیل دولت یا پارلمان یا نهادهای سیاسی و مدیریت جامع در عرصه‌های عمومی، نیازمند مهارت و آموزش و بیش از آن نیازمند تمرین سیاست هستند. این ممارست و تمرین که بهترین نیروها را جذب می‌کند و آموزش می‌دهد و آماده‌رود به عرصه جامعه و مدیریت سیاسی می‌کند، درهای گشوده احزاب است. حتی خطابه و ادبیات سیاسی، در گرایش‌های چپ و راست و میانه و انقلابی و محافظه کار و... همگی بدون وجود احزاب قدرتمند و ریشه‌دار، قابلیت ظهور و بروز ندارد.

پنجم و یکی دیگر از مهم‌ترین ارزش‌ها و قابلیت‌های دموکراسی، حفظ منابع، پاسخ‌گو کردن دولتها و مقامات سیاسی، و استیضاح مداوم اصحاب قدرت و نظارت رسانه‌ای و حزبی بر عملکردهای دولتمردان و

فرسایش و اهمال، در کنار تعصب و کلیشه کردن را برای پیروان تجویز می‌کردند.

در نظام‌های دموکراتیک و لیبرال مسلک، پیروی معنایی ندارد، بلکه انضمام اندیشه‌ها و نقد نظریه‌ها در کنار ایده‌ها و تحلیل‌های تازه، موجب زایش اندیشه و ارتقای دانش می‌شود، اما در ایران و بسیاری از کشورهای درحال توسعه، و حتی در احزاب برادر که در اروپای اوایل قرن بیستم بسیار فعال بودند، حتی پرسشگری مذموم بود. یک گناه نابخشودنی محسوب می‌شد. هر گونه نقد و نظر تازه، به عنوان رویزیوسیم یا تجدیدنظر طلبی سر کوب می‌شد و عواقب وخیمی برای گوینده و صاحب رأی و کتاب و نظر به همراه داشت.

این سخن در ادامه مطرح شد که در نتیجه همین فرآیند منحص و کلیشه‌ای، اندک دقت و ژرفایی هم که در سنت حکمی و علوم سنتی هم وجودداشت به حاشیه رانده شد. در گذشته، «شرح‌الاسم» یا توضیح و ایضاح اصطلاحات، و روشن کردن مفهوم دقیق آن، یک مهارت و نوعی مقدمه در مباحث علمی بود.

براین اساس، حد و فصل و تعریف دقیق یک علم و اصطلاحات آن روشن می‌شد. اما در ایده استالینیستی از کمونیسم، شما باید با داشتن اطلاع از چند اصطلاح به ترویج و تبلیغ حزب و عقاید و منافع آن بپردازید و به کمونیسم و بورژوازی و امپریالیسم و چند هدف کلی و مبهم مدام حمله کنید. این ویرانی، و آن تبلیغات دو روی یک سکه‌اند. شما یک جریان منحط و فاسد و استبدادی را به نحو غیرمنطقی و بدون دلایل و دستاوردهای کافی و حقیقی برجسته و تبلیغ می‌کنید و این را رکن و جوهر ایدئولوژی نوین و بی‌خدشه و بی‌عیب و نقص معرفی می‌کنید، و بقیه را دشمن و منحط و توطئه‌گر و مغلوط و منحرف می‌دانید. ایدئولوژی کمونیسم و به یک معنا ایدئولوژی چیزِی بیش از این در محبط اندیشه باقی نمی‌گذارد. همه یا مریدند یا دشمن. جهان میانه، حلقه‌های واسطه، گفتگو، پرسش، نقد و تفاوت و تساهل بی‌معنی است.

کاری که امروز بر عهده روشنفکران است، به نظر من، زدودن همین اساطیر و افسانه‌هاست که به نام نظریه و ایده به خورد افراد

دیدار با دکتر عزت‌الله فولادوند به پاس شصت‌سال ترجمه و نگارش سیاسی، فلسفی و تاریخی و پژوهش در قانون و آزادی، قدرت و ایدئولوژی...

اندیشه آزاد ، آزادی اندیشه

مشترک و یک همکاری نهان، به جای دقت در تعاریف و تعمیق مفاهیم، آنها را سبک سرانه و سست کرده‌اند. نتیجه آن که دستاوردهای اندک متفکران مشروطه نیز به باد فنا داده شد.

استاد فولادوند فرمودند: بزرگترین نقش را در این زمینه حزب توده داشت. اگر در فرهنگ سیاسی و نوشته‌ها و دستاوردهای عناصر یا متفکران مذهبی، به ویژه آنها که رادیکال‌تر و تندرتو بودند، مشابهتی می‌بینیم، نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم همان فرآیند یا همان جریان است. جریانی که موجب فساد متفکران و کلیشه‌ای شدن پیروان می‌شود. کمونیست‌های استالینی، و تمام احزاب و افرادی که گوش به کنگر‌های انترناسیونال در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سپردند، همه دچار این بیماری شدند و در حقیقت نوعی

اما به راستی قدرت چیست و چرا چنین نتایج هولناکی به بار



حکمی کهن هم پیشگام بود و فن سماع طبیعی بوعلی را به پارسی پاکیزه و امروزی ترجمه و نشر کرد. به هر حال حق ذکا‌الملک فروغی بیش از آن است که در این اندک بضاعت و مهلت بتوان ادا کرد.

اما از نیمه دهه ۳۰ یکباره نیاز به درک فرهنگ غرب در ایرانیان بیدار شد. نسلی از کوشندگان و زبان دانان که فلسفه هم خوانده بودند، به این‌ عرصه گام نهادند. ترجمه متون و آثار فلسفی رونق گرفت اما البته با اعوجاجات و آزمون و خطاهای فراوان. افرادی مانند زنده یادن منوچهر بزرگمهر، شرف‌الدین خراسانی، نجف دریابندری، دکتر علیمراد داودی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر حمید عنایت و... آثار جالبی را به فارسی ترجمه و تألیف کردند اما مهم‌ترین زمینه برای کار ایشان، گزینش یا به‌گزینی واژگان و اصطلاحات مناسب بود.

برخی به قیاقی ویژه و سبکی دشوار رو آوردند همچون استاد بزرگ فلسفه جناب دکتر مژمل‌الدین ادیب سلطانی که با کتاب مستطاب «سنجش خردناب» یا همان نقد ادل ایدئولوئ کانت، باب و دوران تازه‌ای در فرهنگ فلسفی معاصر ایران گشود و برخی بر همان لهج و روش اعتدالی فروغی که در سیر حکمت در اروپا یخته و سخته شده و از سوی مخاطبان نیز پذیرفته شده بود، معیارهای فلسفی پارسی را در روزگار ماسک‌ل دادند. دکتر فولادوند در رأس این هرم و در

همین جریان قرارداشت و دارد. او با ترجمه آثار کلاسیک، تواریخ، تک نگارهای و سرانجام متون تحلیلی در عرصه فلسفه، نشان داد که سخن درِی، تنها از شعر و زیبایی‌های زبان مادری بهره وافر ندارد، بلکه اگر به جور و جنای تاریخ، در علم و فلسفه جامانده، ولی ظرفیتی عظیم و نهفته دارد که تنها آشنایان با فلسفه غرب و زبان و فرهنگ پارسی را قادرند تالطم و ترجمه و مفاهم‌های ایجاد کنند و قدرت نثر پارسی را به اوج و ارجحی برسانند که پورسینا در دانشنامه علایی و خواجه نصیر و باباافضل و دیگران در آثار و مقالات خویش استعلا بخشیدند. نمونه‌ها را اگر برشمارم به فهرست کامل آثار فلسفی، اعم از ترجمه و تألیفات استاد فولادوند باید استاد کنم. پس درمی‌گذرم و اشاره می‌کنم به این که ایشان بشارت دادند به دو اثر تازه، یکی نقد عقل عملی کانت که کتابی بس دشوار در تاریخ فلسفه بوده و هست دیگری مقالاتی-از بانوی متفکر آلمانی هانا آرنت که پیش از این دو کتاب خشونت و انقلاب وی، به قلم استاد ترجمه شده و خوارزمی آن را بارها چاپ کرده بود.

نشر روان و دلنشین فولادوندگاهی از یاد خواننده می‌برد که چه خون دلها خورده شده تا این مفاهیم سخت و دشوار بدین زیبایی و سهولت روان گشته و در اختیار ما قرار گرفته است... نمونه درجه اول و فاضل مثال معتبر، فصل مربوط به هیدگر در کتاب فلاسفه بزرگ اثر بریان مگی قنبد است که همین امسال در گذشت.

ما آثار متعدد از مارتین هیدگر به زبان پارسی داریم، از فردید و عجایب مصطلحات وی تا مترجمان سه‌گانه‌ای که «هستی و زمان» یعنی اثر مهم وی را لباس پارسی پوشانده‌اند، انصاف را که متن کوتاه فولادوند بهترین مقدمه و مهم‌ترین مدخل برای ورود به جهان پیچاپیچ و رازآلود فلسفه هیدگر است. فولادوند از یک نظر به بریان مگی شباهت دارد و آن گسترش فلسفه و فهماندن مفاهیم و مکاتب و متون صعب به تعداد پرشماری از خوانندگان عادی و غیر‌عادی است.

وابسین نکته را بگویم و سخن را تمام کنم. استاد یگانه فرانزه ما دکتر عزت‌الله فولادوند، در هشتاد و چهارمین سال زندگی پر بار خود، همچنان شاداب و امیدوار، ستوده و استوار، و از حیث فعالیت علمی و پژوهش، چالاک و هوشیار به اندیشه و ترجمه و تحقیق، و به کار و دیدار ادامه می‌دهند و این مایه خردسندی و دستاویز این نبایش ماست که: دیر زیاد آن بزر گوار خداوند...



در ضیافت روزنامه اطلاعات، از چپ: سید محمود دعایی، علیرضا خانی، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر ابوالقاسم قاسم زاده

● سمر پور محسن

اشاره: در تاریخ علم کلام، ابتدا نظرات علامه شبلی نعمانی را دریاب اهمیت این علم و دلایل پرداختن به تألیف در این موضوع را خواندیم و سپس کلیاتی در دلایل و پرسش‌های اولین متفکران و متکلمان مسلمان که در باب جبر و تفویض بود و دو مذهب یا نحله کلامی به نام اشاعره و معتزله را در صدر اول و تاریخ اسلام به وجود آورد. این تحولات تا قرن چهارم ادامه داشت. اینک دنباله بحث:

نظرات شبلی نعمانی در تاریخ و تحلیل و تطبیق علم کلام شاید امروزه و در پرتو تجارب و اندیشه‌ها و تحقیقات نوین، قدری کهنه به نظر آید، اما در جای خود مهم است و باید به عنوان سیر تطور و تحول در حوزه تاریخ‌نگاری و فهم متون قدیم و درک مسائل جدید حتماً به درستی و در جایگاه شایسته سنجیده و داوری شود. مثلاً شبلی نعمانی معتقد است که دلایل و براهین به وضوح برای ما روشن می‌سازد که مسلمانان در الهیات و علوم عقلی ما بعدالطبیعه الهی، فرسنگ‌ها از یونانیان جلوتر بوده‌اند و در برتری مسلمین بر یونانیان هیچ شک و شبهه‌ای روانیست. او فراتر می‌رود و در مبحثی با عنوان «یک نظر اجمالی به علم کلام» می‌گوید که اغلب فکر می‌کرده‌اند که بیشتر مسائل علوم عقلی و کلام، مقتبس از یونانیان است و از آنها وام گرفته شده، مسلمانان فاقد قوه ابتکار و اختراع در این زمینه بوده‌اند! او با قاطعیت این موضوع و این مفروض را رد می‌کند اما دلایلی که می‌آورد قطعاً قانع‌کننده نیست. زیرا حق تقدم اختراع منطق و اغلب مباحث و پرسش‌های الهیات در حکمت علمای اوایل یا یونانیان موجود بوده و سپس به توضیح و بسط و شرح وارد جهان شرق شده و علمای یهودی و مسیحی و سپس مسلمانان از آن بهره‌برده‌اند. البته قوه ابتکار و دامنه اصطلاحات و عرصه پرسش‌ها فراتر است و در این زمینه شکی وجود ندارد. اما مدعای علامه شبلی نعمانی در عدم بهره‌موری از یونانیان قطعاً ناصواب است.

شبلی نعمانی به مانند اغلب متکلمان قرون اخیر و متقدم، موضوع علم کلام و هدف آن را توجیز می‌داند: «یکی اثبات عقاید اسلامی و دیگر رد بر فلسفه ملاحده و بطالن و مذاهب دیگر». ولی اگر از این بحث‌ها بگذریم، نگرش و توصیف تاریخی و دوره بندی علم کلام و متکلمان در تاریخ اسلام، به قلم شبلی نعمانی بسیار جالب و گاهی مبتکرانه است. در دوره سوم از کلام اسلامی، به شرح احوال ابن رشد، ابن تیمیه و شاه ولی‌الله سخن گفته و اختصاصات و ویژگی‌های آنان در کلام اسلامی و مباحث جدلی در حوزه الهیات را به تفصیل مورد بحث قرار داده است. با این که حکمت و فلسفه از کلام تمیز داده و جدا شده است، اما تأثیر و حضور آرای حکمای مسلمان را بر کلام و متکلمین به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت.

شبلی نعمانی به همین دلیل، یک فصل جداگانه را در احوال و آرای حکمای اسلامی که در اثبات مسئله‌های دینی از منطق و فلسفه بهره‌برده‌اند و فلسفه و عقل و منطق را برای اثبات اعتبار و ارجحیت شریعت به کار گرفته‌اند، به دفتر خویش افزوده است. این حکما که مقاماتی عالی دارند، فارابی، ابن‌سینا، ابن‌مسکویه و شیخ شهاب سهروردی، یا همان شیخ اشراق شهید هستند و خصوصیات و امتیازات حکمت ایشان در الهیات و برتری شریعت و رد ملاحده و منکرین مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

اندکی بعد، بحث‌های مربوط به کلام جدید، یعنی آنچه در پرسش‌های دینی و عقاید مذهبیون می‌تواند مهم یا موهوم تلقی شود به نظر شبلی نعمانی مطرح می‌شود. این بخش دوم است و تاریخ علم کلام اسلام از برای همین مباحث ضرورت یافته بود. در این بخش هم مقدمه‌ای از سوی مؤلف (والله به مرحوم فخر داعی مترجم پارسی کتاب هم دیباچه‌ای نگاشته و درج کرده است) بلافاصله بحث علوم نوین و مذاهب، این که مذهب جزو و فطرت آدمی است، مذهب اسلام جامعیت و حقایق دارد و مباحث مطبوع و مطروح مشابه را مؤلف پی‌در پی بیان کرده و سپس بحثی



شبلی نعمانی؛ فرهنگ ایرانی و ادبیات پارسی - بخش چهارم

پرسش و برهان در کلام اسلامی

کنار می‌گذارد تا به قول خود به ذکر اعتراضات و انتقادات عمده ماده گرایان و دنیویون (ماتریالیست‌ها و سکولارهای) فعلی اروپایی پرداخته و یک‌بیک آنها را پاسخ گفته و رد نماید. بحث او در باب واجب‌الوجود و اثبات صانع، البته چیزی فزون بر مباحث عقلی در کلام متعارف و مشهورات اسلامی ندارد. در بحث از نبوت و نبوت محمدی (ص) نیز به همین طریقه بحث کرده است. ولی برای اینکه ثابت کند پیامبر (ص) با منبع وحی اتصال و ارتباط داشته، برخی از مسایل مربوط به عقاید، عبادات، اخلاق و غیره را پیش کشیده و به آنها استدلال و احتجاج می‌کند. او معتقد است که در این زمینه‌ها پیامبر اسلام (ص) به قدری تام و کامل، متقن و والا مرتبه است که در فکر و خیال هیچ فیلسوف و حکیم و مرشد و فقیه و قانونگذاری نمی‌گنجد و به هیچ مخیله‌ای خطور نمی‌کند. در واقع بدون وحی ممکن نیست. این وجود متحقق گردد و این اوصاف از قوه به فعل در آید. وحی چنین اتقان و وثاقتی به پیامبر اسلام بخشیده و به همین دلیل هزار و چندصدسال قبل، ایشان در موضوعات مهم و دقیقی همچون حقوق اجتماعی اسلام، حقوق انسانی، حقوق زنان، حقوق مردم بر امرا و بالعکس، وراثت و تقسیم اموال بازمانده از متوفی و... به دقت حکم داده و به کنه مسائل رسیده است.

اما اگر چنین است، پس ریشه اختلافات میان امم و

در باب عقلانی بودن مذهب مطرح می‌کند. زیرا منکرین ادیان و مذاهب در غرب، بر تضاد دین و عقل یا فقدان ادله وافق عقلانی برای اثبات حقانیت و حتی ضرورت مذاهب بیان نموده‌اند. شبلی معتقد است اگر ما ثابت کنیم که مذهبی بر وفق عقل و هم سو با پژوهش‌های علمی و عقلی نوین باشد، نزاع در نخواهد گرفت و حربه انکار از دست ملاحده غربی به در خواهد آمد. رد پای سیداحمدخان و انگاره‌های او در باب علم و عقل جدید و به کارگیری آن در مباحث دینی و برداشت‌های مذهبی در اینجا به وضوح دیده می‌شود. آنچه دست علامه را باز می‌کند، تأکیدات فراوان در قرآن و اخبار بر عقل و اندیشه و ترغیب علم اندوزی و فضیلت تعلیم است.

پس واضح است که در میان ادیان موجود، اسلام، به صفت علمی و عقلی متصف و بلکه عقل را تاج افتخار بشر قلمداد نموده است. به عبارت آخری، کلیه آموزش‌های اسلام، هماهنگ با عقل و مطابق منطق است.

علامه شبلی نعمانی بلافاصله نتایج کلامی گرفته و وارد مرحله الهیات می‌شود. در صانع عالم تحت عنوان سنتی «وجود باری» سخن می‌گوید و در ارتباط با اثبات صانع به بحث می‌پردازد. شگفت آن که ادله نقلی و قرآنی را در این باب به مثابه طریقه و روش بحث و اقتناع برگزیده و دلایل و براهین فلاسفه و متکلمین را در این موضوع

فرق مسلمان، شیعه و سنی، فقیه و صوفی، معتزلی و اشعری و غیره و غیره چیست؟ در اینجا مسئله تأویل مطرح می‌شود و شبلی آن را از مسائل بسیار دشوار که اغلب اختلاف‌های مذهبی از آن سرچشمه می‌گیرد، قلمداد نموده و به بحث و نقادی در این مورد می‌پردازد.

پس از آن، علامه برخی مفاهیم دشوار و قابل تفسیر (یا تأویل) نظیر ملائکه، وحی، الهام و امثال آن را با توجه به نص قرآن و واردات روایات مورد بحث و توضیح قرار می‌دهد. شگفت آن که کار او در این زمینه نوعی تأویل با گرایشات متجددانه است. او در این زمینه نیز وامدار نظریات نوگرایان و علم‌گرایان مسلمان عصر خود و تحت تأثیر استادش احمدخان هندی است.

مهم‌ترین بحث در بخش آخر کتاب تاریخ علم کلام، ترقی و تمدن به مثابه موضوعی مهم در اندیشه فلاسفه و متفکران معاصر است. او فلاسفه مذاهب را سد راه و مانع ترقی می‌داند و می‌کوشد اثبات کند که اسلام دینی جامع و کامل و موافق تمدن و دستاوردهای نوین است. اصلاً خود مهدتمدن و پرورنده آن بوده و هست. برای اثبات و ثبوت این موضوع، بحثی با عنوان «پیوستگی دین و دنیا» به میان آورده و به انضمام و اتکال آن، دو ضمیمه از بزرگان کلام اسلام برای اثبات نظریات مذکور برگزیده شده است. یکی خطابه‌ای از امام فخر رازی و دیگری از امام محمد غزالی که راجع به نبوت و رسالت بیان شده و این ختم کلام و پایان تاریخ علم کلام اثر علامه شبلی نعمانی است.

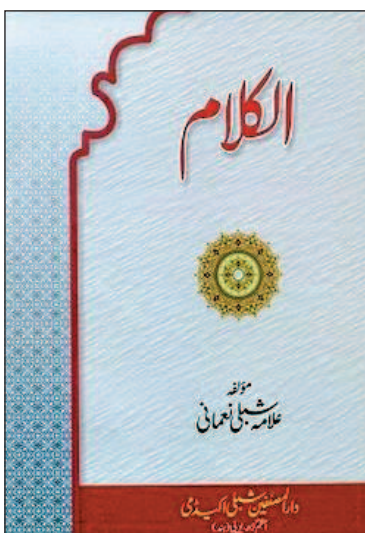
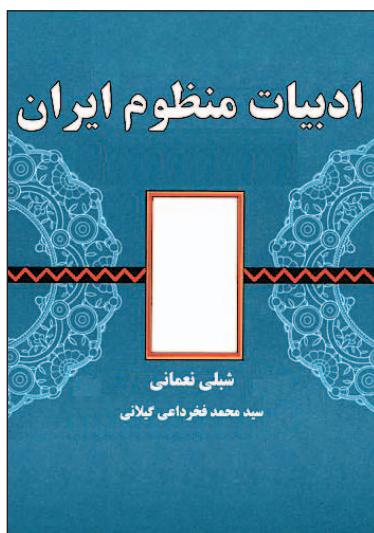
مؤلف در آغاز هر بحث و هر بخش از کتاب، به شرح و توصیف منابع و مراجع قدیم و جدید و کتبی که مورد اشاره و استفاده وی قرار گرفته پرداخته است. در چاپ پارسی، فهرست آخر کتاب، عنوان منابع (کتاب‌شناسی)، فهرست اعلام و غلطنامه نیز افزوده شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۶ در یک جلد توسط انتشارات اساطیر بازنشر شده است.

به نظر می‌رسد شبلی این اثر را در هنگام تدریس در مدرسه العلوم علیگر نوشته که حدود ۱۶ سال در آنجا تدریس می‌کرد و ضمناً از کتابخانه و نظریات سیداحمدخان نیز بهره می‌برد. او به زبان عربی، پارسی، انگلیسی و ترکی آشنا بود. به عثمانی و مصر و شام هم سفر کرد و سفرنامه جالبی نوشت. در همین دوران که بیماری هند و انقلابات نوگرایانه در جهان اسلام آغاز شده بود، شبلی نعمانی خود را در برابر پرسش‌ها و موضوعات متعددی می‌دید که باید پاسخی می‌یافت و به شاگردان و مخاطبانش به عنوان یک عالم و محقق مسلمان عرضه می‌کرد. اغلب کتاب‌های شبلی نعمانی نیز در باب تاریخ اسلام، سیره بزرگان اسلام و علوم و حقوق اسلامی یا بحث در تمدن و ارزش‌های معنوی اسلام است. باید اذعان کرد که کتاب تاریخ علم کلام، از حیث جامعیت و شیوه کلاسیک طرح مسایل، دارای اعتبار و اهمیت ویژه‌ای است.

از اینجا به بحث درباره شعر العجم می‌پردازیم که مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب او در تاریخ و شناخت شعر پارسی و تآوری و نقد و سبک‌شناسی و مهارت او در این شاخه‌های ادبی و بیانگر ذوق و گرایشات شعری شبلی نعمانی است. درباره او همچنین گفته شده است که ذوق لطیف و حسن سلیقه در کارها و نیز مزاج شاعرانه و عاطفه عاشقانه‌ای داشت. شبلی به زبان‌های اردو و فارسی اشعاری سروده است، ولی کمتر بدین کار، یعنی سرایش شعر اشتغال ورزیده است. او چون طبع پرجوشی داشته، وقایع و پیش آمده‌ها را به رشته نظم کشیده و اگر به دیوان اشعار اردوی وی نظر کنیم، غالباً اشعار سیاسی و تاریخی و وطنی را می‌یابیم. این درست مقابل اشعار پارسی شبلی است که از سال ۱۸۸۳ میلادی به سرودن آنها پرداخته و به تناوب چاهه‌هایی بدان افزوده است. هم‌اکنون دیوان فارسی وی منتشر شده که حدود دو هزار بیت می‌باشد. دکتر محمدریاض نوشته است که «او علاقه وافری برای سرودن داشت و به همین دلیل غزلیاتی از او برجای مانده که ناقص و ناتمام مانده است...»^{۱۸}

پانزدهم:

۱۸- دکتر محمدریاض، شبلی نعمانی و دیوان اشعارش، مجله فلسفه، کلام و عرفان، شماره ۲۷، خرداد ۱۳۴۹ خورشیدی.





خزان سروده‌های صائب

پیش از خزان به خاک فشاندم بهار خویش
مردان به دیگری نگذارند کار خویش
چون شیشه شکسته و تاک بریده‌ام
عاجز به دست گریه بی‌اختیار خویش
از وقت تنگ، چون گل رعنا درین چمن
یک کاسه کرده‌ایم خزان و بهار خویش
انجم به آفتاب شب تیره را رساند
دارم امیدها به دل داغدار خویش
سنگ تمام در کف اطفال هم نماند
آخر جنون ناقص ما کرد کار خویش!
دایم میانه دو بلا سیر می‌کند
هرکس شناخته‌است یمین و یسار خویش
صائب چه فارغ است ز بی‌برگی خزان
مرغی که در قفس گذراند بهار خویش



شمع فانوس خیال آسمان پیداست کیست
شعله جواله این دودمان پیداست کیست
با همه نیرنگ سازی، آن که در گلزار او
نیست رنگی از بهار و از خزان پیداست کیست
آن به دل نزدیک دور از چشم، کز لطف گهر
در جهان است و برون است از جهان پیداست کیست
مجلس آرایشی که چون جان جلوه پیدایی اش
برنمی دارد اشارات نهان پیداست کیست
دیده یوسف شناسان در غبار کثرت است
ورنه یوسف در میان کاروان پیداست کیست
حسن مستوری که آورده است از نظاره اش
آن که پنهان است و پیدا در جهان پیداست کیست
آن که ذرات دو عالم را نسیم لطف او
می‌کند بیدار از خواب گران پیداست کیست



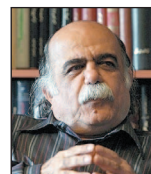
چون خم از کوی مغان پای سفر نیست مرا
گر شوم آب، ازین خاک گذر نیست مرا
خاکساری است مرا روشنی دیده و دل
شکوه از گرد یتیمی چو گهر نیست مرا
سنگ طفلان چه کند با دل دیوانه من؟
کبک مستم، غمی از کوه و کمر نیست مرا
می‌توان کرد به تسلیم شکر حنظل را
تتوان تلخ نشستن که شکر نیست مرا
چون سپر، موجه شمشیر به هم پیوسته است
در مصافی که به جز سینه سپر نیست مرا
از قبول نظر عشق شود عیب هنر
ورنه جز بی هنری هیچ هنر نیست مرا
منم آن نخل خزان دیده کز اسباب جهان
هیچ دربار به جز برگ سفر نیست مرا
چه حضورست که در پرده غم صائب نیست؟
با غم عشق تمنای دگر نیست مرا



حکمت و خرد در شعر فردوسی

اوایل هفته جاری، برای بزرگداشت و به پاس خدمات و پژوهشها و نگارشها و کوششها و آموزشهای دیرپای استاد ایرانشناس و ایراندوست، شاهنامه شناس و ادیب فرزانه دکتر میرجلال الدین کزازی، مراسمی در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. مانیز این منزلت و کوششهای دیرین و ژرف را گرامی داشته و برای آموزگار دانا و عاشق ادب پارسی و شاهنامه آرزوی شادکامی و بهروزی داریم. روز ۲۵ مهر نیز در روزشمار یادمان بزرگان به روز بزرگداشت مقام حکیم استاد فردوسی توسی ویژه داشته و نامگذاری شده که چند روز پس از زادروز حکیم والای عزیز یگانهٔ ادب و فرهنگ میهن است. یادشان بزرگ است... راه و آموزه‌های انسانی و هنر و فرز انگیشان بر مردمان روزگار ما و روزگاران پسین گوارا و جاودان باد.

بنیان‌جهانبینی فردوسی دکتر جلال الدین کزازی



اگر بخواهیم چهار

شالوده برای جهان‌بینی
فردوسی در میان
شالوده‌های بسیار دیگر
برگزینیم و آنها را چونان
شالوده‌های شاهوار در

میان بنهیم، بی‌گمان چنین خواهد بود.

نخست «خرد» است زیرا انسان ایرانی انسانی خردمند است. گاهی ما شاهنامه را به‌درستی «خردنامه» می‌نامیم چون نامه خرد است. از همین روست که در بسیاری از بیت‌های شاهنامه خرد ستوده شده است. آنچه به‌راستی در میان دهش‌های ایزدی ستودنی است خرد به‌شمار می‌آید. شاید پرسیده شود که پس چرا کسانی از عارفان خرد را خوار می‌دارند؟ پاسخ به این پرسش آن است که این کسان هم خرد را خوار نمی‌دارند و همچنان سودایی خرد هستند اما می‌خواهند به‌خردی والا تر برسند فردوسی می‌گوید برای آنکه به آیین و درست زندگی کنی به خرد نیاز داری اما خواست او از این سخن آن نیست که با خرد می‌توانیم هر گره‌ای را بگشاییم و پاسخ هر پرسشی را بیابیم. بزرگان نهان‌گرای خرد را خوار نمی‌دارند اما می‌گویند آدمی زمانی در پویه، رهرویی و جست‌وجوی خویشتن و در رسیدن به خلأوند به جایی می‌رسد که از خرد کاری ساخته نیست. آنجا آنچه به‌کار می‌آید یکسره شگفتی و رهایی از خویشتن است، هر چیز را باید در جای خود شناخت و ارج نهاد. دومین شالوده جهان‌بینی فردوسی «داد» است. شاهنامه تنها نامه خرد نیست نامه داد هم هست. داد چیست؟ داد در کارکرد شاهنامه‌ای آن کمایش برابر با آیین و سامان است. کاربرد داد بسیار گسترده‌تر از آن است که ما آن را تا مرز ویژگی و رفتار فردی فرو بکاهیم و فرود بیاوریم. این داد نمونه و بازتابی از آن داد هستی‌شناختی است. جهان بر داد بنیاد گرفته است و این سامان سترگ که ما در جهان هستی می‌بینیم برآمده از داد است. اگر داد نمی‌بود دانش‌های گوناگون و پایه‌ای پدید نمی‌آمد. پس هیچ بیدادگری نمی‌تواند در آرمش و بهروزی زندگی کند چون با جهان هماهنگ نیست. سومین شالوده جهان‌بینی فردوسی «تام» است. شاهنامه تنها نامه خرد یا نامه داد نیست نامه نام هم هست. اما نام در قاموس شاهنامه معنایی بسیار فراتر و ژرف‌تر و گسترده‌تر از آن معنایی دارد که ما از این واژه می‌خواهیم. هر کس یا هر چیزی نامی دارد اما نام در شاهنامه نهاد و سرشت و خوی است. همان است که منش را می‌سازد. چرا نام چنین کارکردی یافته است؟ پاسخی که من بدین پرسش می‌دهم این است که چون نام در باورهای باستانی به‌ویژه در دبستان‌های راز همه هستی و چپستی را در خود نهفته می‌دارد. هر کس همان است که نام او آشکار می‌دارد. در بینش باستانی پیوند نام با نامور پیوندی است ساختاری و حتی هستی‌شناختی و هر کس می‌باید همان نامی را داشته باشد که دارد. می‌توان گفت که جهان را نام‌ها ساخته‌اند. نام به‌ویژه در منش و فرهنگ پهلوانی کاربردی بسیار گسترده دارد. هم از آن است که پهلوانان از گفتن نام خویش به دشمنان به‌ریزی می‌کردند چون نام، آسیب‌جای آنان

اصول حکمت و جهان‌بینی فردوسی زنده‌یاد دکتر منوچهر مرتضوی



آرمان مبارزه‌ی دائم

نیکی و بدی بزرگ‌ترین
رشته‌ی حکمت‌آمیز سرتاسر
شاهنامه، بخصوص قسمت
اساطیری و پهلوانی آنست.

البته در قسمت اساطیری

چنین مبارزه‌ی براساس اعتقادات باستانی طراحی شده و دخالت نبوغ فردوسی در این قسمت ناگزیر بسیار محدود بوده ولی در بخش پهلوانی، که داستان‌های حماسی منبع آن‌ها بوده، ضمن حفظ طرح کلی داستان‌ها دست فردوسی در پرداختن عالی‌ترین صورت حماسه و نمایش آن آرمان در والاترین صورت ممکن باز بوده است. این راه نباید فراموش کرد که اگرچه در قسمت پهلوانی نیز عناصر اساطیری ابتدایی با عناصر داستانی آمیختگی دارد، ولی پهلوانان این بخش شاید در میان تمام آثار حماسی جهان از نظر «ممدار» کوشش و مبارزه و توانایی و اخلاق انسانی بودن» بی‌نظیر باشند. در کنار آرمان مبارزه‌ی نیکی و بدی، باید قانون ازلی و ابدی فنانی ناگزیر انسان‌ها و دولت‌ها، جریان و نفوذ اجتناب‌ناپذیر تقدیر ازلی در قالب کوشش انسان‌ها و مسیر این کوشش‌ها و کیفر ناگزیر و بی‌گریز و بی‌استثنای پندار و کردار بد و بالاخره آمیزش خیر و شر و بختیاری و تیربختی حتی در وجود و سرنوشت استوارترین و خدشه‌ناپذیرترین شخصیت‌ها را اصول حکمت و جهان‌بینی منعکس در شاهنامه دانست. لازم به یادآوری است که مبارزه‌ی خیر و شر و نیکی و بدی، به عنوان منظور اساسی فردوسی، که مکرراً در مقالات و نوشته‌های نویسندگان و محققان جدید منعکس شده، از دیرباز مورد توجه اغلب دانشمندان بوده و بخصوص برتلس (در خطابه‌ی آن دانشمند در جشن هزاره‌ی فردوسی، سال ۱۳۱۳ خورشیدی) و استاریکف، نویسنده‌ی مقدمه‌ی ترجمه‌ی روسی شاهنامه، مفصلاً و مشروحاً به این مسأله‌ی مهم اشاره کرده‌اند.

خرد در شاهنامه دکتر جلال خالقی مطلق



خرد و حکمت

فردوسی خرد را سرچشمه و سرمایهٔ تمام خوبی‌ها می‌داند. به‌باور وی حتی زندگی یا ناراحتی آن، غم‌ها و شادی‌ها، همه بر اثر بود و نبود خرد است و شخص خردمند چون برنامهٔ زندگی

بسیار مرتب و منظم دارد همیشه در حال پیشروی است و به‌آرامی به اوج انسانیت که هدف نهایی آدمی است می‌رسد. او بر این باور است که آدمی با خرد نیک و بد را از یکدیگر بازمی‌شناسد و از این راه به نیک‌بختی این جهان و رستگاری آن جهان می‌رسد:

خرد رهنمای و خرد دلگشای

خرد دست گیرد بهر دو سرای

ازو شادمانی و زویت غمیست

و رویت فرونی و هم زو کمیست

خرد تیره و مرد روشن روان

نباشد همی شادمان یکرمان

چه گفت آن سَخنگوی مرد از خرد

که دانا ز گفتار او بَرخورد:

کسی کو خرد را ندارد به پیش

دلش گردد از کردهٔ خویش ریش

همان هشیوار دیوانه خواند و را

خویش بیگانه داند و را

ازویی بهر دو سرای ارجمند

گسسته خرد پای دارد به بند

فردوسی در شاهنامه در برابر پُرخرد و کم‌خرد، از بی‌خرد و کم‌خرد نام می‌برد. به آن معنا که همهٔ آدمیان از خرد غریزی به یک اندازه بهره دارند. اما به خرد تجربی جز با به‌کار بستن خرد غریزی نمی‌توان دست یافت؛ و هرچه آدمی خردورزی کند، پُرخردتر گردد، وگرنه کم‌خرد و بی‌خرد شود. از سویی، پُراندیشی همیشه نیک نیست. چرا که خرد می‌تواند هم در راه نیک باشد و هم بد. چنان که اهریمن نه بی‌خرد، که بدخرد است. بی‌خرد نادر است و اگر اهریمن نادر بود، مورد توجه ایزد نبود. اما بدخرد، بلندپیش است. اهریمن و مردمان بد بی‌خرد نیستند، آنان خرد گمراه و ویرانگر دارند. در شاهنامه آدمی هدف بنیادین از آفرینش است و همهٔ آفریدگان از خرد تا جانداران برای انسان بوده‌است. آدمی تنها آفریده‌ای است که به نیروی چناکردن نیک و بد که همان خرد باشد، آراسته‌است و از همین‌رو تنها اوست که پاسخگوی کارهای خویش است و از او بازخواست می‌شود.

نخستین نشان خرد آن بود

که از بد همه ساله ترسان بود!

بداند تن خویش را در نهان

به چشم خرد جست راز جهان!

خرد افسر شهریاران بود

همان زیور نامداران بود!

بداند بد و نیک مرد خرد

بکوشد ز داد و بیبچد ز بد!

قاب امروز

طرح لندن و مسکو برای اداره ایران

تاسیسی «قانا ایر لاینز»

یادداشت‌های بسیار جالب یک دریانورد قرن دوم میلادی

تاریخچه شنیدنی نامگذاری «ویتنام»

ماری آنتوانت در ملاء عام و باگیوتین گردن زده شد

www.iranianshistoryonthisday.com

سودو کو

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۷ | | | ۵ | | | | ۴ |
| ۳ | | | ۹ | | | ۸ | | ۲ |
| | ۵ | ۲ | | | | ۹ | | |
| | | | | | ۸ | ۵ | ۳ | ۶ |
| | | | | | | | | |
| ۲ | ۴ | ۶ | ۷ | | | | | |
| | | ۹ | | | | ۴ | ۸ | |
| ۷ | | ۸ | | | ۹ | | | ۵ |
| ۴ | | | | ۸ | | | ۱ | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 9 | 7 | 3 | 5 | 6 | 8 | 4 | 1 | 2 |
| 4 | 1 | 2 | 9 | 7 | 3 | 5 | 6 | 8 |
| 5 | 6 | 8 | 4 | 1 | 2 | 9 | 7 | 3 |
| 3 | 9 | 7 | 8 | 2 | 5 | 6 | 4 | 1 |
| 6 | 5 | 4 | 3 | 9 | 1 | 8 | 2 | 7 |
| 8 | 2 | 1 | 7 | 4 | 6 | 3 | 9 | 5 |
| 1 | 3 | 9 | 6 | 8 | 7 | 2 | 5 | 4 |
| 7 | 4 | 5 | 2 | 3 | 9 | 1 | 8 | 6 |
| 2 | 8 | 6 | 1 | 5 | 4 | 7 | 3 | 9 |

حل ۲۵۸۶



یاسار گاد، مجموعه ای از آثار یاستانی برجای مانده از دوران هخامنشی / عکس از: رضا غدیری

مسیر پایه

زمانه، پندی آزادوار داد مرا

زمانه، چون نگری، سربه سر همه پندست

بہ روز نیک کسان، گفت: تا تو غم نخوری

سپاسگزار! کہ یہ روزِ تہ آرزو مندست

زمانه گفت مرا: خشم خویش دار نگاه

که رازیان نه به بندست پای دربندست

رودکی

بند بزرگان

زندگی همه انسان ها یکسان به پایان می رسد، فقط نحوه زندگی کردن و نحوه مرگ افراد است که باعث تمایز آن فرد با دیگران می شود.

ارنست همینگوی

هر کاری که می‌توانید یا آرزوی انجام دادنش را دارید شروع کنید، زیرا جسارت با خود نبوغ، قدرت و جادو به همراه می‌آورد.

ولفانگ گوته

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

| | | | | | |
|---------------|-----------|---------------|-----|-----|-------------|
| قصه پرداز | معلم نانی | به صورت نوشته | بیخ | عقل | پاینخت سوئد |
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| هزار داستان | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| ضمیر درون | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| زنی بیانه گیر | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| ب | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| بندر عراق | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| سرباز تکاور | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| محمول صابون | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| عزیز عرب | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| شی | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| جمع شریعت | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| دروغگی! | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| خرمند هندی | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| فرومایگی | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |